



منابع ارمنی یورش مغولان

• نویسنده: رابرت بدروسیان^۱
 • مترجم: محسن جعفری مذهب
 عضو هیأت علمی کتابخانه ملی ایران

گنجکی در فصل سی و دوم کتاب خود، «تاریخ ارمنستان»، گنجی بزرگ به جای می‌گذارد: فرهنگ از ۵۵ واژه مغولی و برای نهاده آن، که یکی از نخستین آثار به جای مانده از مغولان است

سرزمین ارمنستان بود و این رسم بود که حامیان و واقفان ساختمان‌ها، کتیبه‌ای گاه بسیار بلند بالا، بر دیوار بناهاشان بنویسانند. این کتیبه‌ها علاوه بر مواد خام تاریخ اقتصادی، دارای نام و نشان و ارزش‌های خاندانی سفارش دهنده بود.

منابع ارمنی سده‌های ۱۳ و ۱۴ م. ۷/ و ۸ هـ.، بردانشمندان غربی ناشناخته است و در نتیجه در پژوهش‌های آنان استفاده نمی‌شود. به همین دلیل و نیز پراکندگی منابع، گزارشی از این منابع و نویسندگان آن‌ها بایسته می‌نماید. برخلاف این‌ها، منابع آشنای پژوهشگران چون تاریخ جهانگشای جوینی و جامع التواریخ رشید الدین فضل الله وجود دارند، اما توجه خاصی به دو جنبه پیش گفته ندارند.

گنجکی (Kirakos Ganjakec')
 و تاریخ ارمنستان:

گنجکی (گانجاکتسی) یکی از مهم‌ترین مورخان ارمنی سده سیزده میلادی - هفتم هجری است. آگاهی ما از زندگی او بسیار کم است. او در فصل سی و سوم کتابش و پس از شرح فعالیت‌های ربان سریانی، می‌نویسد:

« این فصل در سال ۶۹۰ ارمنی / ۱۲۴۱ - ۱۲۴۲ میلادی / ۶۳۹ هجری نوشته شده است که من حدود چهل سال دارم^۲.
 پس او در اوایل سده سیزدهم و بین سال‌های ۱۲۰۰ تا ۱۲۱۰ میلادی / ۶۰۰ تا ۶۱۰ هجری به دنیا آمده است^۳.

گنجکی آموزش ابتدایی را در دیر «گتیک» (Getik) گذراند، که

برای دسته بندی و توصیف منابع ارمنستان سده‌های سیزدهم و چهاردهم میلادی - هفتم و هشتم هجری، راه‌هایی چند موجود است که در این پایان نامه در دو جهت جلوه می‌کند:

۱: یورش مغولان به ارمنستان

۲: تاریخ اربابان ارمنی در سده‌های ۱۳ و ۱۴ م. ۷/ و ۸ هـ.

بعضی منابع همچون تواریخ ادبی ارمنی و گرجی، به هر دو جنبه توجه داشته و در نتیجه اهمیت بیشتری دارند. این منابع شامل تواریخ سده‌های ۱۳ و ۱۴ میلادی / ۷ و ۸ هجری نوشته شده به دست نویسندگان کلیسایی قفقاز است: گیراگوس گانجاکتسی (گنجکی) و وارطان شرقی که هر دو حدود سال ۱۲۷۰ - ۱۲۷۱ م / ۶۶۹ هـ. از دنیا رفته اند، استپانوس اوربلیان (درگذشته ۷۰۳/۱۳۰۴ هـ.) نویسنده گرجی تاریخ کارتلی (درگذشته ۷۳۰/۱۳۳۰ هـ.)، و توما متسوی (درگذشته ۸۵۰/۱۴۴۶ هـ.). تاریخ ملت تیر انداز روحانی کیلیکی گریگور اکبری (درگذشته ۱۳۳۵ م. ۷۳۵ هـ.)، هر چند از نظر جغرافیایی به ارمنستان بزرگ تعلق دارد، اما مطالبی دارد که در منابع دیگر محلی نیست و هم یورش مغولان به ارمنستان و هم تاریخ اربابان ارمنی را در بر می‌گیرد. وقایع نامه‌های ارمنی، انجامه‌ها، و ادبیات قدسیان نیز هر دو جنبه را در بر می‌گیرند. نویسندگان آن‌ها، گاه به دور و بر خود نیز توجه دارند که برای رویدادهای محلی بسیار با ارزش است. بر خلاف تواریخ ادبی، گاه نوشته روحانیون معمولی، به میزان زیادی این جهانی و روزمره اند، با این حال برای درک زندگی روزمره مردم بسیار با ارزش هستند.

آغاز سده سیزدهم - هفتم، دوره اوج ساخت بناهای باشکوه در

استپانوس اوربلیان
دیگر مورخ ارمنی قرن
هفتم هجری / سیزدهم
میلاادی تاریخ خود را به
نام «تاریخ دولت
سیسکی» در سال
۶۹۶/۱۲۹۹ در زمان
حکومت غازان خان پسر
ارغون خان، به پایان
برده است

در آن زمان در نظارت **ماردیروس (Martiros)** یکی از شاگردان معلم و نویسنده بزرگ **مخیتار گوش (Mxit'ar Gosh)** (در گذشته به سال ۱۲۱۳ میلادی / ۶۱۰ هجری) بود.^۴ البته گنجکی زمانی دراز از دیگر شاگرد مخیتار، یعنی مورخ **هووهانس واناکان (Yovhannes Vanakan)** (در گذشته به سال ۱۲۵۱ میلادی / ۶۴۹ هجری) درس آموخت. این آموزش در دیر «خوراناسات» (Xoranasat) در نزدیکی دژ تاووش (Tawush) در شمال غرب گنجه آغاز شد^۵

زمانی که سلطان **جلال الدین خوارزمشاه**، در سال ۱۲۲۵ میلادی / ۶۲۲ هجری، **خوراناسات** را غارت کرد، واناکان و شاگردانش به غاری پنهان در نزدیکی روستای **لوروت (Lorut)** در جنوب تاووش گریختند.^۶ او تا سال ۱۲۳۶ میلادی / ۶۳۳ هجری که سپاهیان مغول تحت فرماندهی **مولار (Molar)**، تاووش را تصرف کرد، به تدریس خود ادامه داد. هم واناکان و هم گنجکی گرفتار مغولان شدند و چند ماه به عنوان نویسنده در خدمت آنان ماندند.^۷ واناکان سرانجام با پرداخت خونیه‌های ۸۰ دهکان (dahekans) توسط مسیحیان **گگ (Gag)** آزاد شد و گنجکی در همان شب و مخفیانه به گتیک (Getik) گریخت.^۸ از سرنوشت او در سال‌های پس از این، هیچ آگاهی در دست نداریم. از بخش چهل و هشتم کتابش روشن می‌شود که در شکست دادن شورشی در کلیسا به سال ۱۲۵۱ میلادی / ۶۴۹ هجری شرکت داشته است.^۹

در حدود سال ۱۲۵۵ میلادی / ۶۵۳ هجری، او در دهکده **یاردنیس (Yardenis)** نزدیک کوهستان **آراگاتس (Aragac)**، آتوم پادشاه ارمنستان **کیلیکیه (۱۲۲۴-۱۲۶۸ میلادی / ۶۲۱-۶۶۶ هجری)** را ملاقات کرد که تازه از نزد **باتو خان** آمده بود.^{۱۰} نام گنجکی در سال ۱۲۶۵ میلادی / ۶۶۳ هجری توسط **همکلاس** و ادامه دهنده تاریخش، **وارطان شرقی (Vardan Arewelci)** برده شده که در آن نویسنده از گنجکی می‌خواهد تفسیری بر کتاب **غزل غزلهای سلیمان نبی** بنویسد.^{۱۱} به گزارش **گریگور اکبری**، دیگر مورخ سده سیزدهم میلادی / هفتم هجری، گنجکی در سال ۷۲۵ ارمنی / ۱۲۷۱ میلادی / ۶۶۹ هجری درگذشت.^{۱۲}

تاریخ ارمنستان گنجکی، اثری طولانی، در شصت و پنج فصل است که با سبکی ساده و روان نوشته شده است. حوادث کتاب با مسیحی شدن ارمنستان آغاز و حوادث تاریخ سیاسی و کلیسای ارمنستان را بر پایه منابع مورد استناد ارائه می‌دهد.^{۱۳} از آن جا که بیشتر منابع او اکنون در دست است، بخش نخست کتاب او چندان مهم نیست اما بخشی که با فصل یازدهم آغاز شده و حوادث زمان مؤلف را شرح می‌دهد از اهمیت برخوردار است. نویسنده خود به خوبی به این کار آگاه بوده است.^{۱۴} گنجکی درباره ارمنستان سده سیزدهم

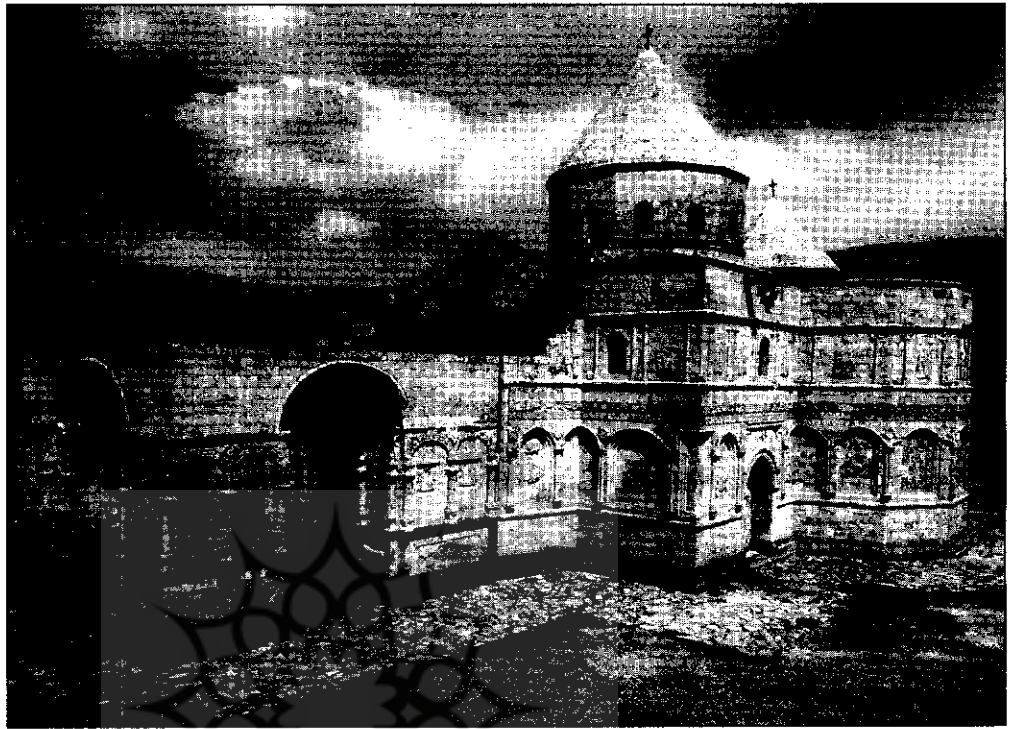
اطلاعات خوبی داشته است. او مردی باهوش بوده که با استعداد واناکان تربیت شده بود، به خوبی با سازمان کلیسا و مسائل آن، کلیسا مردان معاصر خود و نوشته‌های تاریخی آنان آشنا بود.^{۱۵} او با اربابان مهتر ارمنی (naxarar) چون شاهزاده **پرهوش خاقباکیان (Prhosh Xaghbakian)** که در فتح بغداد به دست مغولان در سال ۱۲۵۸-۱۲۵۹ میلادی / ۶۵۶ هجری شرکت داشت و برای گنجکی تعریف کرده بود که چه دیده و شنیده است، و شاهزاده **گریگور مامیکونیان (Grigor Mamikonean)** که شنیده‌های خود را به نقل از یکی از بزرگان مغول درباره چنگیز خان برای گنجکی روایت کرده بود، مراده داشت.^{۱۶}

آگاهی مفصل او از اعضای خاندان **زکریایی**، ناشی از روابط او با آنان بود. همان گونه که در بالا گفته شد پادشاه **آتوم یکم**، یکی از منابع او بود. از سویی در ماه‌های اسارت به دست مغولان، به عنوان کاتب می‌توانست نامه‌هایی را بخواند و بنویسد.^{۱۷} زبان مغولی نیز یاد بگیرد.^{۱۸} او در فصل سی و دوم تاریخش، گنجی بزرگ به جای می‌گذارد: فرهنگی از ۵۵ واژه مغولی و برابر نهاده آن، که یکی از نخستین آثار بجای مانده از مغولان است.^{۱۹} در نتیجه او به عنوان یک دانشمند نه تنها از جامعه ارمنی زمان خود، بلکه از فاتحان و اربابان جدید نیز آگاهی فراوان داشت.

ما نمی‌دانیم گنجکی چه زمانی تاریخ نویسی را آغاز کرد. پدر او **سکیان (Oskean)** از اشاره او در فصل سی و سوم که: «این را در سال ۶۹۰ ارمنی (۱۲۴۱-۱۲۴۲ میلادی / ۶۳۹ هجری) می‌نویسم» نتیجه می‌گیرد که سال ۱۲۴۰ میلادی / ۶۳۸ هجری پیشنهاد خوبی است.^{۲۰} تاریخ به طور ناگهانی با شرح جنگی بین **ابا خان** و **برکه خان (۱۲۶۶-۱۲۶۷ میلادی / ۶۶۵ هجری)** پایان می‌پذیرد. علت این پایان ناگهانی شناخته نیست.^{۲۱}

وارطان شرقی: Vardan Arewelci و تکمله تاریخ او

گمان می‌رود که وارطان نیز مانند گنجکی در زمانی بین ۱۲۰۰ تا ۱۲۱۰ میلادی / ۶۰۰ تا ۶۱۰ هجری به دنیا آمده باشد. درباره والدین و خانواده اش هیچ نمی‌دانیم. یکی از نخستین استادان او **واناس واناکان (در گذشته سال ۱۲۵۱ میلادی / ۶۵۲ هجری)** بود که وارطان در کتابش از او به عنوان "پدر مقدس ما" یاد کرده و مانند گنجکی از تاریخ گمشده او نقل می‌کند.^{۲۲} وارطان در سال ۱۳۳۹-۱۳۴۰ میلادی / ۶۳۷ هجری از بیت المقدس زیارت و سپس در حدود سال ۱۳۴۰-۱۳۴۱ میلادی / ۶۳۸ هجری به کیلیکیه رفت و مواد زیادی از پادشاه **آتوم یکم**، و حکومت **کاتوقیگوس کنستانتین بارتسرابردتسی**



وارطان شرقی، دیگر مورخ ارمنی
قرن هفتم هجری / سیزدهم
میلادی با دوستی با ارمنیان
پرنفوذ توانست در سال ۱۲۵۵ -
۱۲۵۶/۶۵۴ ایلخان مغول
هلاکو خان و زن مسیحی
دوقوز خاتون را ببیند. گزارش
مردی که بزرگان و اربابان دوره
خویش را دیده است بسیار
استثنایی و مهم است

مرگ دوستش گنجکی درگذشت.^{۲۹}
وارطان از تاریخ ارمنستان گنجکی بهره برد^{۳۰}. او از منابع
دیگری نیز، هم چون تجربیات شخصی خودش با رجال عصر خود
استفاده کرد. همان گونه که در بالا اشاره شد، وارطان دانشمند از
سوی همدرسش گنجکی به عنوان « واردایت فرزانه و آگاه»^{۳۱} نام
برده می شود که دوست پادشاه آتوم یکم و کاتوقیگوس کنستانتین
بود. گنجکی نوشت « او به نزد کاتوقیگوس (کنستانتین) رفت که از
دیدنش شاد شد. کاتوقیگوس، وارطان را زمانی دراز نزد خویش نگه
داشت، به او مهربانی کرد، و نمی خواست از نزدش برود»^{۳۲}.
سپس بخشنامه سراسری کاتوقیگوس را برای امضا برد و همه
کلیساهای مهم و رجال مهم عصر را دید.
افزون بر این، وارطان با دوستی با ارمنیان پرنفوذ توانست در
سال ۱۲۵۵ - ۱۲۵۶ میلادی / ۶۵۴ هجری ایلخان مغول هلاکو خان
وزن مسیحی اش دوقوز خاتون را ببیند^{۳۳}. گزارش مردی که بزرگان
و اربابان دوره خویش را دیده است بسیار استثنایی و مهم است^{۳۴}.

استپانوس اوربلیان Step'annos Orbelean
و تاریخ دولت سسیسی

استپانوس اوربلیان، مطران ناحیه سیونیک (Siwnik) در
ارمنستان شرقی (۱۳۰۳/۱۳۰۴ - ۱۲۸۵/۱۲۸۶ میلادی / ۶۸۴ - ۷۰۳
هجری)، تاریخ نگار خانوادگی خاندان نامدار اوربلیان بود^{۳۵}. سال

(Constantin Barjraberdci) (۱۲۲۰ - ۱۲۶۸ میلادی / ۶۱۷ -
۶۶۶ هجری) به دست آورد^{۳۳}. گنجه ای اشاره می کند که
کاتوقیگوس بارتسرابردتسی، وارطان را با بخش نامه ای سراسری
(encyclical) به ارمنستان شرقی فرستاد تا به امضای اسقفان،
راهبان و شاهزادگان نامدار برساند. احتمالاً وارطان با بیشتر این
مقامات دیدار کرد، و با استادش واناکان و شاهزاده آواک زاکاریان
(Awak Zak'arean) از مناطقی چون کلرین (Karın) (ارزروم)، آنی
(Ani)، قارص (Kars)، بجنی (Bjni)، امبرد (Amberd)، هغبات
(Haghbat) ساناهین (Sanahin)، گتیک (Getik)، هغارچین (Hagharcin)،
کچارو (Kech'aru)، آیری وانک (Ayrvank)، هاووج تار (Hawuc T'arh)،
یوهان هاوانک (Yovhanhavank)، ساغوسا وانک (Saghmosavank)،
هوروموس (Horomos)، آغبانیا (Aghbania)، گذر کرده باشد^{۳۴}.
وارطان پس از به امضا رساندن بخشنامه سراسری به نزد
کاتوقیگوس بازگشت^{۳۵}.

در سال ۱۲۶۴ - ۱۲۶۵ میلادی / ۶۶۲ هجری بازگانی به نام
شنورهاور (Shnorhawor)، وارطان را به دیدار هلاکو خان برد. این
دانشمند بزرگ مورد احترام بسیار هلاکو قرار گرفت.^{۳۶} زمانی که
تاریخ وارطان در سال ۱۲۶۶ میلادی / ۶۶۴ هجری گم شد، هنوز
پایان نیافته بود. البته یک سال و نیم پس از آن توانست آن را باز
نویسی کند^{۳۷}. وارطان آخرین سال های زندگی را در هغبات
(Haghbat) و خورویراپ (Xorhvirap) گذراند^{۳۸}. به گزارش گویگور
اکتوی، او در سال (۱۲۷۱ - ۱۲۷۲ میلادی / ۶۷۰ هجری و همان سال

اوربلیان شخصاً باسه تن از ایلخانان مغول: ارغون، گیخاتو و غازان آشنا بود که هر سه به او احترام گذاشته و خواسته‌هایش را فوراً اجرا می‌کردند

تولد استپانوس شناخته نیست. برخی دانشمندان بر اساس اشاره خود او که در سال ۱۲۸۰ - ۱۲۸۱ میلادی/ ۶۷۹ هجری به کشیشی رسید، نتیجه می‌گیرند که باید در این زمان بین ۲۵ تا ۳۰ سال داشته باشد. پس باید بین سال‌های ۱۲۵۰ - ۱۲۶۰ میلادی/ ۶۵۰ - ۶۶۰ هجری متولد شده باشد.^{۳۶}

استپانوس تحصیلات مذهبی داشت و با موفقیت به رتبه کاتب (دبیر dpir)، شماس و کشیش رسید.^{۳۷} در سال ۱۲۸۵-۱۲۸۶ میلادی/ ۶۸۵ - ۶۸۶ هجری پدرش او را به کیلیکیه فرستاد تا در عید پاک، استپانوس را به عنوان مطران ناحیه بزرگ سیونیک انتخاب کنند تا از اسقفان و ایوچ جور (Vayoc'Jor) و تادئوس (Tat'ew) برتر باشد.^{۳۸} او در سال ۱۲۸۷ - ۱۲۸۸ میلادی/ ۶۸۶ - ۶۸۷ هجری به خانه بازگشت.^{۳۹} پس از نزاعی طولانی با اسقفان شورشی^{۴۰}، توانست حاکمیت خود را بر نواحی تادئوس (Tat'ew) و نوراوانک (Noravank) تثبیت کند و بازسازی کلیساها و دیرهای خراب شده ناحیه مطرانی خود را آغاز نماید.^{۴۱}

نویسنده در فصل هفتاد و سوم تاریخ، اشاره می‌کند که کتاب خود را در سال ۱۲۹۹ میلادی/ ۶۹۶ هجری و در زمان حکومت غازان خان پسر ارغون خان به پایان برده است.^{۴۲} وارطان برای بخش نخست تاریخ خود، از همان منابع بهره برده که گنجکی و وارطان بهره برده بودند. البته او از تواریخ و منابعی نیز بهره برده که تاریخ نگاران پیشین ندیده اند: مانند موعظه‌های سده پنجم میلادی پتروس سیونیکی (Petros Siwnik) و تاریخ ماشتوتس سوانی (Mashtoc' of Sewan).^{۴۳} او به طور متناوب و مستقیم به منابع گمشده‌ای چون بخشنامه سراسری کاتوقیگوس، نامه‌های کاتوقیگوس به اسقفان سیونیک، و پاسخ آن‌ها، فرامین، اسناد دارایی کلیسا، کتیبه‌ها، انجامه‌ها، و نامه‌های کهنه پادشاهان و شاهزادگان ارمنستان و سیونیک اشاره می‌کند. استپانوس گرجی از تاریخ کارتلی نیز بهره برده است. او احتمالاً فارسی را هم خوب می‌دانسته است.^{۴۴} در فصل سوم شرح جغرافیایی منحصر، اما متأسفانه غلط از دوازده ناحیه سیونیک صحبت می‌کند و در فصل هفتاد و چهارم سیاهه درازی از مالیات‌های پرداخت شده به کلیسا در این نواحی را در اختیار می‌گذارد.^{۴۵}

باز هم مهم ترین بخش کتاب استپانوس زمانی است که از زمانه خود می‌نویسد. استپانوس به عنوان فرزند دانشمند ترسایش ارباب سابق سیونیک، و به عنوان برادر الیکوم ارباب زمان خود، در موقعیتی بود که از ناگفته‌های اشراف و وقایع زمانه و به ویژه ارمنستان آگاهی می‌یافت. آگاهی او از زبان گرجی و وجود شاخه‌ای نیرومند از خاندانش در گرجستان، بدون شک او را از مطالبی درباره

گرجستان که مورخان ارمنی از دانستنش محروم بودند بهره مند می‌ساخت. او به عنوان مطران سیونیک قدرت اداره همه کلیساها و دیرهای آن جا را داشت. افزون بر این، آشنایانی در سطوح بالا داشت و از احترام آنان بهره می‌برد. در فصل شصت و ششم، شرح سفرش به کیلیکیه را می‌نویسد: «

اما زمانی که استپانوس به آن جا رفت کاتوقیگوس (هاکوپ) مرده بود. لئون (Lewon) پادشاه ارمنستان با احترام فراوان به استقبال او آمد و بسیار خواهش نمود که بر تخت کاتوقیگوس بنشیند. استپانوس به این امر رضایت نداد...»^{۴۶}

او شخصاً با سه تن از ایلخانان مغول: ارغون، گیخاتو، و غازان آشنا بود که هر سه به او احترام گذاشته و خواسته‌هایش را فوراً اجرا می‌کردند.^{۴۷} در پایان باید گفت که استپانوس تاریخ منحصر به فردی درباره کشور و زمانش نوشت.^{۴۸}

گریگور اکتری Grigor Aknere'i

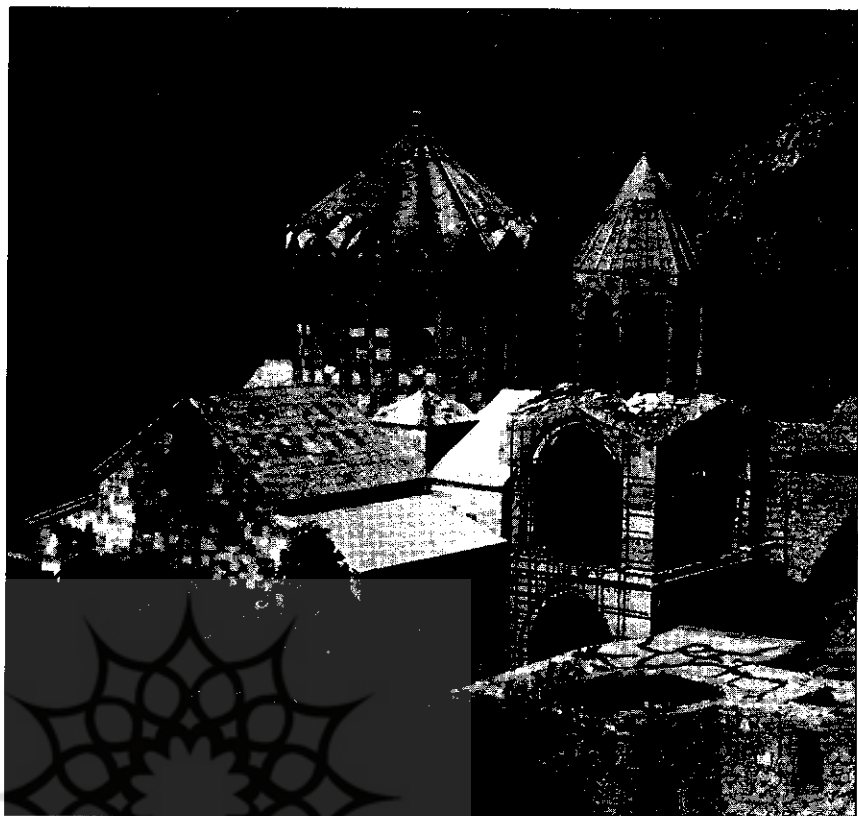
و تاریخ ملت تیرانداز

درباره نویسنده این کتاب که ۴۴ سال از تاریخ ارمنستان (۱۲۹۹ - ۱۲۷۳ میلادی/ ۶۲۶ - ۶۷۱ هجری) را می‌پوشاند، بسیار کم می‌دانیم. احتمال می‌رود که در سال ۱۲۵۰ میلادی/ ۶۶۸ هجری در کیلیکیه به دنیا آمده باشد.^{۴۹} درباره والدینش هیچ نمی‌دانیم، البته به شهادت خودش، برادری مخیار داشت که در زمان پایان یافتن کتابش از دنیا رفته بود.^{۵۰} در انجامه کتابی به تاریخ ۱۳۱۲ میلادی/ ۷۱۲ هجری، از گریگور به صورت کشیشی از دیر اکتر (Aknere) در کیلیکیه یاد می‌شود.^{۵۱} پدر نرسس اکینیان تاریخ مرگ او را ۱۳۳۵ میلادی/ ۷۳۵ هجری می‌داند.^{۵۲}

تاریخ ملت تیرانداز با دیگر آثار مورخان ارمنی دراز نویس تفاوت دارد. نخست آن که نویسنده کیلیکی که کار خود را در سال ۱۲۷۳ میلادی/ ۶۷۱ هجری و در اوایل دهه سوم زندگی اش به پایان برده، کارش فاقد اخباری درباره ارمنستان شرقی و حکومت مغولان در آن جا است که نویسندگانی چون گنجکی، وارطان و استپانوس بدان‌ها توجه داشته اند. این امر شاید توجیهی باشد بر بعضی اغلاط تاریخی که در اوایل کارش دیده می‌شود. از سوی دیگر، همان گونه که بلیک (Blake) اشاره می‌کند: «گریگور بر همکاری گنجکی یک امتیاز دارد: او فوراً سراغ یورشگران نمی‌رود»^{۵۳}.

دومین تفاوت بین کار گریگور و کارهای گنجکی و وارطان و استپانوس، تمرکز او بر زمان کار است. او تنها ۴۴ سال از تاریخ را تشریح می‌کند. او به جای نوشتن تاریخ جهانی، تنها دو ناحیه را در

► کلیسای سن استپانوس، مرند - جلفا
عکس از: افشین بختیار



آگاهی استپانوس اوربلیان از زبان
گرچی و وجود شاخه‌ای نیرومند از
خاندانش در گرجستان، بدون شک او
را از مطالبی درباره گرجستان که
مورخان ارمنی از دانستنش محروم
بودند بهره‌مند می‌ساخت

وقایع نامه‌ها و تذکره‌ها:

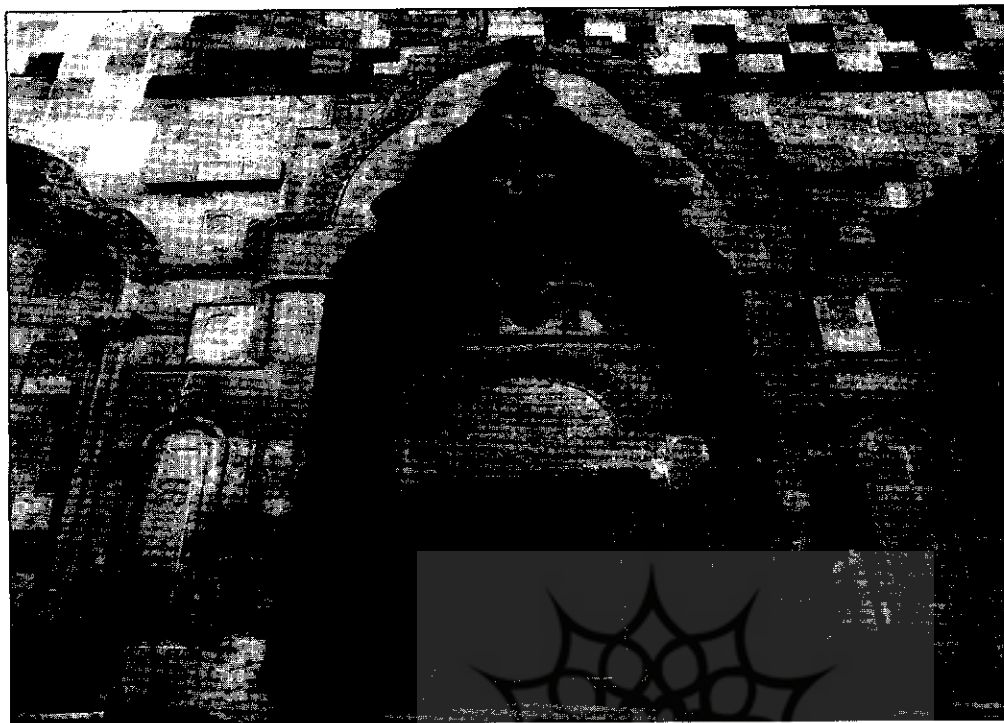
افزون بر تواریخ مفصل ذکر شده در بالا، تعدادی آثار رویداد نامه‌ای و شهادت نامه‌ها وجود دارند که برای تاریخ یورش مغولان و اشراف ارمنستان در سده‌های سیزدهم و چهاردهم میلادی/هفتم و هشتم هجری مهم هستند. از میان وقایع نامه‌ها، برخی کوتاه و برخی بلند و بعضی بسیار پر حجم هستند. کارهای بسیار بلند و وقایع نامه سموئیل آنوی (Samuel of Ani)، سالنامه مخیتار پروانتسی (Ayrivanec I) (Mxit'ar)، و گزارشنامه سمبات اسپاراپت (Smbat Sparapet) از این جمله اند. وقایع نامه کلیسایی سموئیل به سال ۱۱۷۹-۱۱۸۰ میلادی/۵۷۵ هجری خاتمه می‌یابد.^{۵۹} این کار زمانی اهمیت می‌یابد که بدانیم کار سموئیل بعدها توسط دیگران پی گرفته شد و تکمله‌هایی تهیه شد که وقایع ۱۱۷۹ تا ۱۳۰۵ میلادی/۵۷۵ - ۷۰۴ هجری، و ۱۲۷۵ تا ۱۴۲۵ میلادی/۶۷۴ - ۸۲۸ هجری را می‌پوشانند.^{۶۰} سالنامه مخیتار پروانتسی از دوره پیامبران تا سال ۱۲۸۹ میلادی/۶۸۸ هجری را در بر می‌گیرد و همانند کار سموئیل، شامل اخبار سیاسی، نظامی، اجتماعی و اقتصادی است که کامل کننده و تایید کننده منابع دیگر است.^{۶۱} گزارشنامه شاهانه سمبات اسپاراپت به دست برادرشاه آتوم یکم تهیه شد. سمبات احتمالاً در سال ۱۲۰۸ میلادی/۶۰۴ هجری به دنیا آمده و در سال ۱۲۲۶ میلادی/۶۲۳ هجری در حالی که تنها ۱۸ سال داشت، فرمانده کل

نظر می‌گیرد: ارمنستان بزرگ و ارمنستان کیلیکیه، و حجم زیادی را به ارمنستان کیلیکیه در سده سیزدهم میلادی/هفتم هجری اختصاص می‌دهد.

سومین تفاوت مهم آن است که گریگور فردی باسواد و روشنفکر نبود. اشتباه‌های گوناگون او، درباره بهشت زمینی، اعتبار بسیاری از گفته‌های منحصر به فرد او راست می‌کند.

منابع اطلاعات گریگور اکنری کدامند؟ پدر آکینیان برخی از آن‌ها را شناسانده است. گویا از مهمترین آن‌ها می‌توان از روایات شفاهی زائران ارمنی دیر اکنر یاد کرد، همچون داویت بجنسی (Dawit 'Bjnc' I)، گنجگی (Kirakos Getikc I)، و شاه آتوم یکم و مردمی که از شرق می‌آمدند یا به آن جا سفر می‌کردند.^{۵۴} از نظر آکینیان، یکی از آگاه ترینشان، یکی از شاگردان واناکان وارتاپت بود.^{۵۵} از طریق آشنایی با افراد معتبر بود که گریگور معنی واژه‌های نظامی و قضایی مغولان را فهمید و در تاریخ خود به کار برد.^{۵۶} آکینیان چند منبع مکتوب را نیز شناسانده است، مانند کتاب مقدس، شرح نام‌های عبری، وقایع نامه میکائیل سریانی، و انجامه طولانی وارتان شرقی (سال ۱۲۴۶ میلادی/۶۴۴ هجری) شامل تبارنامه افسانه‌ای مغولان که گریگور با چند تغییر در تاریخ خود می‌آورد.^{۵۷} همان گونه که آکینیان و بلیک نظر دارند، این نیز محتمل است که گریگور به تاریخ گمشده واناکان نیز دسترسی داشته است.^{۵۸}

▼ سردر کلیسای سن استپانوس، مرند - جلفا، عکس از: افشین بختیار



کتاب «تاریخ ملت تیرانداز»
نوشته گریگور اکبری ۴۴
سال (۱۲۷۳ - ۱۲۷۹/۶۷۱ -
۶۲۶) از حوادث تاریخی
ارمنستان در دوران مغول را
می‌پوشاند

در پایان باید از تعدادی نوشته‌های سده‌های ۱۳ و ۱۴ م. و ۷ و ۸ ق. که در ارتباط با اربابان مسیحی ارمنستان در زمان تسلط مسلمانان است، به ویژه برای تاریخ ارمنستان شرقی که تاریخ‌ها درباره آن ساکت هستند، یاد کرد. در سال ۱۹۰۳ میلادی، ه. ماناندیان (H. Manandyan) و هره. آجاریان (Hrh. Acharean) متن انتقادی از مجموعه شهادت‌نامه‌های بین سال‌های ۱۱۵۵ تا ۱۸۴۳ میلادی/۵۵۰ - ۱۲۵۹ هجری را منتشر کردند. این فقرات از میان تک نگاری‌ها، مراسم نامه‌ها و کارهای مورخان سده‌های میانه استخراج شده‌اند.

گزارش‌های نوشهیدان سده‌های سیزدهم و چهاردهم میلادی/هفتم و هشتم هجری عبارتند از: تنودوروس قیصری (Teodoros of Caesarea) (درگذشته به سال ۱۲۰۴ میلادی/۶۰۰ هجری)، گریگور خاغباکلی خاچنی (Xaghbakian of Xach'en) (درگذشته ۱۲۲۳ میلادی/۶۲۰ هجری)، حسن جلال خاچنی (Hasan Jalal of Xach'en) (درگذشته به سال ۱۲۶۱ میلادی/۶۵۹ هجری)، گریگور بالویی (Grigor of Balu) (درگذشته به سال ۱۲۹۰-۱۲۹۱ میلادی/۶۸۹ - ۶۹۰ هجری)، اسقف گریگور کارینی (Grigor of Karin) (درگذشته به سال ۱۳۲۲-۱۳۲۱ میلادی/۷۲۱ - ۷۲۲ هجری)، اماناواک درجانی (Amenawag of Derjan) (درگذشته به سال ۱۳۳۵-۱۳۳۶ میلادی/۷۳۶ هجری)، اسقف واناک بجنیایی (Vanak of Bjni) (درگذشته به سال ۱۳۸۷-۱۳۸۸ میلادی/۷۸۹ - ۷۹۰ هجری)، سر اسقف استپانوس سبسطی (Step'annos of Sebastia) (درگذشته به

سیاه کیلیکیه (ملقب به اسپارایت) شد و به مدت پنجاه سال آن مقام را حفظ کرد^{۶۲}. سمبات در سال ۱۲۴۶-۱۲۴۷ میلادی/۶۴۴ هجری به نزد گیوگ خان به قرا قوروم فرستاده شد تا پیمان اتحادی را بین کیلیکیه و مغولان منعقد کند. این سفر دوسال به طول انجامید.^{۶۳} سمبات در سال ۱۲۷۵ - ۱۲۷۶ میلادی/۶۷۴ هجری در سن ۶۷ سالگی و چند روز پس از افتادن از اسب در یکی از جنگ‌ها با مهاجمان مصری، درگذشت^{۶۴}. گزارش‌نامه سمبات رویدادهای بین سال‌های ۹۵۱ تا ۱۲۷۲ میلادی/۳۴۰ - ۶۷۰ هجری را در بر می‌گیرد. اطلاعات این کتاب درباره سده سیزدهم میلادی/هفتم هجری، بیشتر براساس اسناد رسمی و آگاهی‌های شخصی نویسنده به دست آمده است. گزارش‌نامه برای تاریخ سیاسی و نظامی بسیار مهم است، اما آگاهی زیادی از تاریخ ارمنستان بزرگ به ما نمی‌دهد^{۶۵}.

افزون بر رویداد نامه‌های دراز که در بالا توصیف شد، تعدادی کارهای رویداد نامه‌های کوتاه نیز از سده‌های سیزدهم تا پانزدهم میلادی/هفتم تا نهم هجری موجود است که گاه اخباری را بازگو می‌کنند که در منابع دیگر دیده نمی‌شود و برای تاریخ ارمنستان غربی منحصر به فرد هستند. این منابع عبارتند از: گزارش‌نامه‌های شناخته‌سده سیزدهم، سالنامه اسقف استپانوس (سده سیزدهم میلادی/هفتم هجری)، سالنامه آتوم دوم (سده سیزدهم میلادی/هفتم هجری)، وقایع نامه - منسوب به سرکیس پیچک - (Sargis Picak) (سده چهاردهم میلادی/هشتم هجری)، وقایع نامه گنجکی رشتونی (Kirakos Rhshtuni) (سده پانزدهم میلادی/نهم هجری)، و وقایع نامه ناشناخته سبسطیه (Chronicle of Sebastia)^{۶۶}.

سال ۱۳۸۷-۱۳۸۸ میلادی/ ۷۸۹ - ۷۹۰ هجری)، اوآگ سلمستی (Awag of Salmast) (درگذشته به سال ۱۳۹۰-۱۳۹۱ میلادی/ ۷۹۲ - ۷۹۳ هجری)، یقسابت خرهبستی (Yeghiseb'ast of Xarhabast) (درگذشته به سال ۱۳۹۱-۱۳۹۲ میلادی / هجری)، کاتولیکوس زکریای آختامار (Aght'amar Zak'aria of Aght'amar) (درگذشته به سال ۱۳۹۳-۱۳۹۴ میلادی/ ۷۹۶ هجری) و تامار موکی (Mokk' T'amar of) (درگذشته به سال ۱۳۹۸-۱۳۹۹ میلادی/ ۸۰۱ هجری)

انجامه‌های سده‌های سیزدهم و چهاردهم میلادی / هفتم و هشتم هجری

انجامه‌های نسخه‌های ارمنی، منبع بسیار مهمی برای تاریخ ارمنیان و همسایگان آن‌ها از سده دهم میلادی/ چهارم هجری است. برای سده سیزدهم میلادی/ هفتم هجری انجامه‌ها برای تکمیل آگاهی‌های منابع تاریخی ارزشمند هستند. برای سده چهاردهم میلادی/ هشتم هجری، که فاقد مورخانی چون گنجکی، وارطان و استپانوس است، انجامه منبع مهم آگاهی‌های ماست. انجامه نوشته‌ای است که معمولاً در پایان نسخه خطی آمده، و اغلب به دست کاتب یا صاحب کتاب نوشته می‌شود. اغلب نام کاتب، سال نگارش نسخه، سال نگارش انجامه، و گاه در این انجامه کم و بیش دراز آگاهی‌هایی می‌آید که در دیگر منابع تاریخی نمی‌آید، و شامل وقایع سیاسی و نظامی، مالیات‌ها، کشاورزی، وضعیت دهکده، شهرها، کلیساها و دیرها، مکان و علت نگارش انجامه می‌باشد. از آن جا که انجامه‌ها به دست کاتبان حرفه‌ای از طبقه فرودست کم سواد نوشته می‌شدند، از نظر زبان شناسی و لهجه‌ای بسیار مهم هستند و دارای واژه‌های فراوان محلی و بیگانه می‌باشند.^{۶۸} بر خلاف کشیشانی چون گنججی، وارطان و استپانوس، فرودستی طبقاتی کاتبان، آنان را در به کارگیری واژه‌های این جهانی (که برای تاریخ نگاران بسیار مهم است) آزاد می‌گذاشت.

اهمیت فراوان انجامه‌ها را در سده سیزدهم میلادی/ هفتم هجری، استپانوس اوربلیان درک کرد و در تاریخ خود بهره گرفت. آراکل تاویرتسی (Arak'el Davrizhec'i) نویسنده سده هفدهم میلادی/ یازدهم هجری، م. چامچیان مخیتاری (M. Ch'amchi'ean) نویسنده سده هجدهم میلادی/ دوازدهم هجری، و قه ووندآلیشان (Ghewond' Alishan) نویسنده سده نوزدهم میلادی/ سیزدهم هجری، به طور شگفت‌آوری در کارهایشان از انجامه استفاده کردند.

در سده بیستم میلادی/ چهاردهم هجری، چند اثر از گارگین هوسپیان (Garegin Yovsep'ean) بر روی خاندان‌های فتودال، بر اساس انجامه‌ها تهیه شده است. البته در هیچ یک از کارهای بالا، نویسنده مجموعه انجامه‌های خود را منتشر نکرد. در سده‌های ۱۹ و ۲۰ م. ۱۳/ و ۱۴ ق. چند مجموعه از انجامه‌ها منتشر شده‌اند.^{۶۹}

کتیبه‌ها

به نظر می‌رسد استپانوس اوربلیان سر اسقف سیونیک (Siwnik) در سده سیزدهم میلادی/ هفتم هجری، که شاید نخستین کسی بود که از انجامه در کتابش بهره برد، نخستین تاریخ نگار ارمنی نیز بود که اهمیت کتیبه‌ها را فهمید و به میزان فراوانی از آن‌ها بهره گرفت. البته مجموعه متون کتیبه‌ها در سده نوزدهم میلادی/ سیزدهم هجری منتشر شد. پیش از انتشار سالنامه کتیبه‌ها (Vimakan Taregir) توسط ک. کستانیان (K. Kostaneanc)،^{۷۰} هیچ مجموعه مدونی از کتیبه‌های ارمنستان شرقی و غربی در دست نبود. مجموعه کوچک کتیبه‌های یک ناحیه، یا یک شهر، یا یک دیر، یا یک کمپلکس رهبانی موجود بود. جهانگردان، قوم نگاران و تاریخ نگاران در سده نوزدهم میلادی/ دوازدهم هجری اشارات زیادی به آنان داشتند. زمانی که در سده بیستم میلادی/ سیزدهم هجری بیشتر ارمنستان تاریخی و غربی به تصرف غیر ارمنیان درآمد و متأسفانه بر روی ارمنیان بسته شد، در پی آن نابودی طبیعی و عمدی بناهای تاریخی ارمنی در آناتولیای شرقی، ارزش متون گردآوری شده را بالا برد. کار کستانیان گردآوری کتیبه‌هایی بود که پیشتر در کتاب‌های کمیاب یا نشریاتی منتشر شده بود که دور از دسترس بود.^{۷۱}

مؤسسه باستانشناسی و کتیبه نگاری آکادمی علوم ارمنستان، از ۱۹۶۰ میلادی، ۵ جلد از ۱۰ جلد طرح مجموعه کتیبه‌های ارمنی (Corpus Inscriptionum Armenicarum) را منتشر کرد که ادامه آن منتظر همکاری دانشمندان امروز است. جلد ۱ (ایروان ۱۹۶۶) شامل کتیبه‌های شهر آنی است که با جلد‌های ۲ و ۳ و ۴ و ۶ ادامه یافته (ایروان ۱۹۶۰، ۱۹۶۶، ۱۹۷۳، ۱۹۷۷) و شامل کتیبه‌هایی است که در ارمنستان امروزی قرار دارند.^{۷۲} درباره کتیبه‌های ارمنستان جنوبی و غربی، هنوز وامدار کستانیان هستیم.^{۷۳} منبع مهم گرجی تاریخ کارتلی (که به طور عمده از وقایع ارمنستان سخن می‌گوید) و شامل تعدادی متن کتیبه‌های گرجی ارمنستان است، به ارمنستان شمالی می‌پردازد. آگاهی‌هایی نیز از ارمنستان غربی و جنوبی در گزارش نامه‌های کوتاه، انجامه‌ها، نوشهید نامه‌ها، کتیبه‌ها، و تاریخ توما

علاوه بر تواریخ ارمنی، تعدادی آثار رویداد نامه‌ای و شهادت نامه- های ارمنی وجود دارند که برای تاریخ یورش مغولان و اشراف ارمنستان در سده‌های سیزدهم و چهاردهم میلادی / هفتم و هشتم هجری مهم هستند

متسویی (T'ovma Mecop'ec'i) یافته می‌شود؛ گرچه برای تاریخ سیاسی و نظامی ارمنستان کوهستانی در سده سیزده و چهاردهم میلادی/هفتم و هشتم هجری، منابع غیر ارمنی بسیار فقیر هستند. البته تعصب جغرافیایی در توجه به شمال شرقی ارمنستان، ناشی از طبیعت تواریخ ادبی ارمنی، از مشکلات پژوهشگر است.

در ثانی، باید گفته شود منابع ادبی ارمنی سده سیزدهم میلادی/هفتم هجری یعنی گنجکی، وارطان و استپانوس، همگی کلیسامردان فرهیخته و باسواد بودند. تلاش آنان در جهت ذکر رویدادهای مهم اربابان بود و کمتر به رویدادهای طبقه پایین جامعه توجه داشتند. گروه‌هایی مانند کشاورزان، پیشه‌وران و دیگر جمعیت غیر کشیش - غیر ارباب شهری، که به طور اجمالی در انجامه‌ها، وقایع‌نامه‌ها و نوشهیدنامه‌ها دیده می‌شوند، اساساً گزارش آنان دور می‌افتند. منابع غیر ارمنی نیز کمکی نمی‌کنند. شاید کاوش‌های باستانشناسی روزی بتواند این خلأ را پر کند، هرچند تردید است که گزارش زندگی روزانه طبقات فرودست ثبت شده باشد. منابع ادبی تعصب طبقاتی دارند.

در پایان کمیت و کیفیت چنین منابعی ثابت نیست. کیفیت منابع روز بروز رو به خرابی است. گنجکی، وارطان و استپانوس در زمان حکومت مغولان در ارمنستان می‌زیستند. گنجکی به دست فاتحان اسیر شد و ناچار شد به دبیری آن‌ها مشغول شود و به مدح آنان بپردازد. وارطان و استپانوس هردو مورد اعتماد ایلخانان بوده و از تسامح مذهبی آنان بهره بردند. اما زمانی که در اوایل سده چهاردهم میلادی/هشتم هجری خان مسلمان شد، وضعیت فرق کرد. عدم تسامح سده چهاردهم هیچ مورخ بزرگ ارمنی نیافرید. تنها نویسندگان فرودست وقایع‌نامه‌ها و انجامه‌ها که بسیاری از آن‌ها نیز ناشناخته‌اند، شرحی از آزارها، غارت کلیساها و قحطی می‌دهند. و سرانجام، در زندگی و تاریخ توما متسویی (T'ovma Mecop'ec'i) عدم تسامح متعصبانه دولت مغول قابل دیدن است، زیرا توما که روحانی کم‌سواد و عامی بود گزارش کم ارزش و سازمان‌نیافته‌ای از آزاردهندگان خود ارائه می‌دهد.

پی‌نوشت‌ها:

۱ - نوشتار حاضر بخشی از پایان‌نامه دکترای رابرت بدروسیان با عنوان «یورشهای ترکی - مغولی و اربابان ارمنستان در سده‌های سیزدهم و چهاردهم میلادی/هفتم و هشتم هجری» است:
R. Bedrosian: The Turco-Mongol Invasions and the Lords of Armenia in the 13-14th Centuries, Ph.D. Dissertation, Columbia University, 1979

از رابرت بدروسیان پیشتر نوشته زیر به زبان فارسی ترجمه شده است:

آ. گ. گالستیان "فتح ارمنستان بدست اردوی مغول" ترجمه انگلیسی از رابرت بدروسیان، ترجمه فارسی محسن جعفری مذهب، پیمان، ش ۱۵-۱۶-۱۷، بهار - تابستان - پاییز ۱۳۷۹ * با تشکر از آقای یوریک کریم مسیحی که اسامی ارمنی را بازبینی و تصحیح کردند.

۲- گنجکی تاریخ ارمنستان Patmut'iwn Hayoc تصحیح ک. ا. ملیک اوهانیان (ایروان ۱۹۶۱). ازین پس تاریخ ارمنستان. فصل ۳۳ ص ۲۷۸.

- Kirakos Ganjakec'i, Patmut'iwn Hayoc' [History of Armenia] K. A. Melik'Ohanjanyan, ed. (Erevan, 1961) "zhamanaki kenac' meroc 'ams k' arhasun pakas kam aweli".

۳- بنگرید به: ه. اوسکیان، "گنجکی" در:

-H. Oskean, "Kirakos Ganjakec'i" HA (1922) p. 89;

-Alishan, Hayapatum p. 216 specifies 1203.

۴- تاریخ ارمنستان، فصل ۱۷، ص ۲۲۲.

۵- تاریخ ارمنستان، فصل ۱۵، ص ۲۱۸.

۶- همان، فصل ۲۳، صص ۲۴۳ - ۲۴۴.

۷- همان، فصل ۲۳، به بعد.

۸- همان، فصل ۲۳، ص ۲۵۲.

م. آبنیان M, Abeghyan, مجموعه آثار، ج ۴ (ایروان ۱۹۷۰)، صص ۲۳۴-۲۴۰.

۹- همان، فصل ۴۸، ص ۳۲۷ و فصل ۴۸ بعد

۱۰- همان، فصل ۵۸، صص ۳۶۴، ۳۷۱، ۳۷۲. درباره سفر آنوم بنگرید به:

ج. ا. بویل "سفر آنوم شاه ارمنستان کوچک به دربار خان بزرگ مونگکه" مجله آسیای مرکزی Asiatic Journal Central ۹ (۱۹۶۴)، صص ۱۷۵-۱۸۹.

۱۱- اوسکیان، همان، صص ۹۱-۹۳.

۱۲- گریگور اکتری، تاریخ ملت تیرانداز، ترجمه انگلیسی رابرت بلیک

-Grigor Aknerc'i, History of the Nation of the Archers [HNA], trans. R. Blake, Harvard Journal of Asiatic Studies (1949) #3-4 p. 379; Minor Chronicles, vol. 1 Erevan, 1951) p. 44.

۱۳- تاریخ ارمنستان مقدمه صص ۶-۱۰

۱۴- تاریخ ارمنستان فصل ۲۰ ص ۲۳۱.

۱۵- گنجکی به اثر "اکنون گمشده" استادش اشاره دارد: تاریخ ارمنستان، فصل ۵، ص ۱۷۸.

۱۶- تاریخ ارمنستان، فصل ۶۰، ص ۲۸۴ و فصل ۳۲، ص ۲۷۲.

۱۷- همان، فصل ۲۴، ص ۲۴۹

۱۸- همان، فصل ۳۲، ص ۲۷۴

۱۹- همان، فصل ۳۲ ص ۲۷۴. برای شرحی دانشمندانه و انگلیسی از این فصل و فرهنگ مغولی، بنگرید به:

J.A. Boyle, "Kirakos of Ganjak on the Mongols", Central Asiatic Journal 8(1963) pp. 199-214;

L. Ligeti, "Le Lexique mongol de Kirakos de Gandzak", Acta Orientalia Hungarica XVIII(1965).

۲۰- اوسکیان، همان، ص ۲۱۶.

۲۱- تصحیح انتقادی تاریخ ارمنستان گنجکی را ک.ا.ملیک اوهانیان در سال ۱۹۶۱ منتشر کرد. این متن بر اساس ۳۰ نسخه موجود در کتابخانه ماتانداران در ایروان تهیه شده و با ۳ نسخه چاپی زیرمقایله شده است:

۱- تاریخ ارمنستان بر اساس گنجکی [Ganjakec'woy] *Patmut' iwn Hayoc' areal Kirakosi* در گنورگیان هوونسیان تصحیح اوستان ترکورگین-یووهانیانتس -Georgian-Yovhanniseanc - Ostan Ter (مسکو ۱۸۵۸) که در سال ۱۹۰۹ در مسکو و تفلیس تجدید چاپ شد.

۲- تجدید چاپ مسکو و بازنگری ن. آکینیان در HA (۱۹۱۰) صص ۲۵۳-۲۵۴.

ترجمه کامل به زبان فرانسوی را م. بروسه (سن پترزبورگ، ۱۸۷۰) با عنوان در دو مورخ ارمنی: ۱- گنجکی منتشر کرد:

Brosset Deux historiens armenienes, I, Kirakos de Gandzac (St. Petersburg, 1870)

ترجمه روسی توسط ل.ا. خانلریان: گنجکی تاریخ ارمنستان (مسکو ۱۹۷۶)

L. A. Khanlarian, Kirakos Gandzaketsi, Istoria Armenii (Moscow, 1976)

ترجمه انگلیسی نیز توسط ک.ا.ملیک - اوهانیان (K. A. Melik-Ohanjanyan) صورت گرفته است.

۲۲- وارطان شرقی، فصل ۸۷، ص ۱۴۶.

Vardan Arewel'ci Hawak'umn patmut'ean Vardanay vardapeti lusabaneal (Venice, 1862) ch. 87 p. 146: "p'arhaworeal hayrn mer Vanakan vardapetn..."

آگاهی‌هایی درباره زندگی وارطان آرولتسی (Arewel'ci) (شرقی)، اغوانی (آلبانیایی)، گنجه‌ای، و "بزرگ" را می‌توان در تاریخ همکلاس و دوستش گنجکی، در آثار خود وارطان، و در تاریخ گریگور اکبری یافت. دانشمندان در روشن نمودن حقایق درباره وارطان، گاه او را با دیگر وارطان‌های همان زمان اشتباه می‌گیرند. پدرم. چامچیان (M. Ch'acmch'ean) (در تاریخ ارمنیان از آغاز جهان تا سال ۱۷۸۴ به گزارش منابع گوناگون *Patmut' iwn Hayoc' skzbane ashxarhi mincl'ew zam tear hn 1784 est awandeloy aylayl matenagrac* (۳ جلد، ونیز: ۱۷۸۴-۱۷۸۶) ج ۳، ص ۲۴۰)، و مگردیچ جوزف امین (Mkrtich' (Joseph) Emin) (در تاریخ جهانی وارطان باجرا برجی بزرگ *Mecin Vardana Bar jrberdc'woy*

M. Abeghyan, Works, vol. 4, p. 240, and H. Oskean, "Vardan Arewel'ci", HA (1921) p. 365.

۲۳- تاریخ ارمنستان، فصل ۴۱، ص ۲۹۴. پدر اوسکیان نظر دارد که احتمالاً وارطان در شورای سیس در سال ۱۲۴۳ میلادی/۶۴۱ هجری که برای فرونشاندن نزاع‌های کلیسایی فراخوانده شد، شرکت داشته است (اوسکیان ص ۳۶۸). در همان حالی که وارطان در کیلیکیه با کشیشی سریانی بنام ایشوخ Ishox آشنا شد، به همراه او وقایعنامه میکانیل سوری را در حدود سال ۱۲۴۶ میلادی/۶۴۴ هجری به ارمنی برگرداند (اوسکیان صص ۵۶۹ - ۵۷۰). درباره دیگر آثاری که به وارطان اشاره دارند، بنگرید به اوسکیان، صص ۴۶۹-۴۶۷ و ۵۶۴-۵۷۲.

۲۴- تاریخ ارمنستان، فصل ۴۳، ص ۳۱۰.

۲۵- همان، ص ۳۱۱. چامچیان (Ch'amch'ean) و به تبع او غ. آلیشان (Gh. Alishan) (به نادرستی گمان داشتند که وارطان شخصاً.... نامه را به کیلیکیه بازگرداند (اوسکیان، همان ص ۳۶۹). وارطان پس از انجام ماموریت، به عزلتگاه خود در اندره Andre نزدیک دژ کایان (Kayeayn) بازگشت تا درس دهد و بنویسد (تاریخ ارمنستان فصل ۴۳، ص ۳۱۱). او ۶ سال در خورویراپ (Xorhvirap) ماند که ۴۰ شاگرد در آن جا داشت و سپس در دیرهای ساغموسا وانک (Sagmosavank) و هرهیچه (Harhicha) اقامت گزید (اوسکیان صص ۳۶۹-۳۷۰). نیز بنگرید به:

H. Manandian and Hrh. Acharhean Hayoc' nor vkanera [Armenian Neo-martyrs], (Vagharsapat, 1903) p. 105.

۲۶- وارطان، فصل ۹۶، صص ۱۵۵-۱۵۸.

۲۷- همان، فصل ۷۶، ص ۱۶۷.

۲۸- اوسکیان، همان، صص ۳۷۰-۳۷۱.

۲۹- گریگور، ص ۳۷۹. اوسکیان (ص ۳۷۳) گمان دارد که وارطان در خورویراپ دفن شد.

۳۰- وارطان، فصل ۸۷، ص ۱۴۶. تکمله تاریخ وارطان از نوع تواریخ عمومی است که در سده‌های میانه مورد توجه مورخان ارمنی بود. این کتاب از زمان آدم آغاز و با مرگ کاتولیکوس کنستانتین دوست صمیمی وارطان در سال ۱۲۶۸ میلادی/۶۶۶ هجری خاتمه می‌یابد. شناخته نیست که نویسنده، نوشتن کتاب خود را چه زمانی آغاز کرده است. از آن جا که وارطان بر تاریخ ارمنستان نظر دارد، در بخش نخستین درباره تاریخ پادشاهان اسرائیل، یونان، پارس، و عرب سخن می‌گوید. شیوه وارطان در چکیده کردن تاریخ خاور میانه سخت است. سیاهه نام‌ها و رویدادهای بخش نخست خسته کننده است. منابع او در این بخش، افزون بر کتاب مقدس، و سنت کلیسایی، منابعی است که گنجکی هم از آنها بهره برده بود. البته وارطان بر خلاف گنجکی، به منابع خود کمتر اشاره می‌کند. این امر ناشی از علاقه نویسنده به پنهان کردن منابع خود نیست، بلکه از آن

جهت است که خوانندگان به آن آشنایی دارند. هرچه وارطان به زمانه خود نزدیکتر می‌شود، آگاهی‌های او مفهوم ترمی‌شود. واقعیت ویژه این است که شرح وارطان از سده ۱۱ و ۱۲ میلادی/ ۵ و ۶ هجری، با استفاده از منابع گمشده‌ای چون تاریخ سلجوقیان هووهانس سرگوک (Yovhannes Sargawag's) تهیه شده است.

۳۱- تاریخ ارمنستان، فصل ۴۱، ص ۲۹۴

"zimastun ew zhancharegh vardapetn zVardan..."

۳۲- همان جا،

"ch'ogaw ew arh kat'oghikosn, zor tesimal, uraxac'aw yoyz, ew arh iwr paheal yolov zhamanaks, sirov kapeal end nma, zi och' kamer erbek' meknil i nmane".

۳۳- وارطان به دعوت هلاگو در مراسم سال نومغولان در ایران در سال ۱۲۶۵-۱۲۶۶ میلادی/ ۶۶۴ هجری حضور داشت. به گزارش خودش، او در ملاقاتش با هلاگو، هم چون روحانی عالیرتبه مجبور به تعظیم نشد. او پذیرفت تا شراب خان را تقدیس کند (وارطان ارمنی، فصل ۹۶، ص ۱۵۶). هلاگو بعداً وارطان را به کناری کشید و توسط مترجمان از او خواست تا آزادانه و بدون ترس اظهار نظر کند (همان ص ۱۵۷). وارطان برلیغی گرفت و برای سال بعد نیز دعوت شد، اما در سال بعد هلاگو مرده بود.

"گرچه (زن مسیحی هلاگو) خاتون بزرگ توغوز خاتون پیش از اعلان خبر مرگ هلاگو، مخفیانه بدنبال من فرستاد، و گفت خدا ایلخان را دوست داشت و به سوی خود برد. هرچند او این جا را دوست داشت و در آینده به او خواهد داد. آیا می‌توان برای او عشای ربانی ترتیب داد یا نه؟ ... او درباره اباقا پسر ارشد هلاگو هم پرسید که آیا صلاح است که بجای پدرش بنشینند در حالی که مومن (به مسیحیت) نیست؟" (وارطان ارمنی، فصل ۹۷، ص ۱۶۰-۱۶۱)

۳۴- تاریخ وارطان از نظر زبانی نیز بسیار مهم است. ضمن آن که به شکل عوامانه زبان ارمنی کهن نوشته شده، به ویژه صدای اوم که در پایان کلمات ارمنی شرقی نوین اخیر دیده می‌شود. بنگرید به آبغیان، صص ۲۴۵-۲۴۶. متأسفانه متن انتقادی تاریخ وارطان وجود ندارد. متن ارمنی دوبار چاپ شده است: ج. امین (مسکو ۱۸۶۱) و مختیارهای ونیزی در ۱۸۶۲. چاپ اخیر بر اساس نسخه سال ۱۳۰۷ میلادی/ ۷۰۷ هجری تدارک شده است. در میان ۸ یا ۹ نسخه بازمانده تاریخ وارطان نسخه ۱۶۳۱ میلادی/ ۱۰۴۱ هجری، از روی نسخه سال ۱۷۲۳ ارمنی/ ۱۲۷۴-۱۲۷۵ میلادی/ ۶۷۳ هجری کتابت شده، که تنها سه سال پس از مرگ وارطان بود (وارطان ص یازده، اوسکیان صص ۴۶۰-۴۶۱). تاریخ وارطان به تمامی توسط ج. امین به زبان روسی ترجمه شده است (مسکو ۱۸۶۱).

ترجمه بخشی از آن به زبان روسی توسط ک. پاتکانف (سن پترزبورگ ۱۸۷۳، ج ۱ صص ۱-۲۹) انجام شده است. ترجمه بخشی به زبان فرانسوی در مجله آسیایی *Journal Asiatique* (سال ۱۸۶۰، بخش ۲) و سپس در گنجینه تواریخ جنگ‌های صلیبی: منابع ارمنی، ج ۱ *Croisades; Documents armeniens I Recueil des historiens des* (پاریس ۱۸۶۹)، صص ۴۳۱-۴۳۳ توسط ای.

دولوریه E. Dulaurier تهیه شده است. ترجمه انگلیسی فصل‌های ۸۲ تا ۱۰۰ (صص ۱۳۸ تا ۱۶۴ چاپ ۱۸۶۲ ونیز) توسط رابرت بدروسیان تهیه شده است.

۳۵- اوربلی‌ها ظاهراً شاخه‌ای از خاندان پرنفوذ مامیکونی بودند که در نیمه دوم سده نهم میلادی/ سوم هجری، از ارمنستان به گرجستان جنوبی مهاجرت کردند. آنان با استقرار در دژ اوربلی در ناحیه شمشویلده (Shamshvilde)، همانند اقوام مامیکونی خود، مقام سپهسالاری (اسپاراپتی *sparapetii*) سپاه گرجستان را در سده‌های ۱۱ و ۱۲ میلادی/ ۵ و ۶ هجری در دست داشتند. (س. تومانوف: "مامیکونی‌ها و لیپاری‌ها" ارمنیکا، ص ۲۵؛

C. Toumanoff: "The Mamikonids and the Liparitids",

Armeniaca (Venice, 1969) p. 125.

استپانوس اوربلی، تاریخ دولت سبسیکی، فصل ۶۶ به بعد. از این به پس تاریخ استپانوس

Step'annos Orbelean, Patmut'iwn Nahankin Sisakan,

Karapet Shahnazareanc', ed. (Paris, 1859) ch. 66 passim

به دنبال شورش نافرجام اوربلی‌ها علیه گنورگی سوم پادشاه ارمنستان در سال ۱۱۷۷ میلادی/ ۵۷۳ هجری، وی تمام خانواده اوربلی را برانداخت و تنها دو برادر توانستند بگریزند (تاریخ استپانوس فصل ۶۶، صص ۱۲۸-۱۳۵). ایوانه توانست در زمان ملکه تامار (حک. ۱۱۴۸-۱۲۱۳ میلادی/ ۵۴۳-۶۱۰ هجری) بقایای خاندان را که در گرجستان بودند گرد هم آورد (همان جا ص ۱۳۶). سرانجام فرزندان برادر دیگر، الیکوم (Elikum)، کنترل تمام سیونیک را در اختیار گرفتند (تاریخ استپانوس فصل ۶۶ صص ۱۴۳-۱۴۴، ۱۶۷-۱۶۸ از بالک (Balk) تا ایرارات (Ayrarat) و از دروازه بارگوشات (Barkushat) تا مرزهای بُسنی (Bjni). اوربلی‌ها به ریاست سمبات نوه الیکوم در نتیجه متابعت سریع از مغولان، نه تنها سرزمین‌های خود را حفظ کرده، بلکه گسترش دادند (تاریخ استپانوس، صص ۱۵۰، ۱۵۸). وقتی ترسایش (Tarsayich) برادر و جانشین سمبات در سال ۱۲۹۰ میلادی درگذشت، خاندان اوربلی تمام سیونیک را در اختیار داشت و از همیشه قدرتمند تر بود. الیکوم پسر ترسایش حاکم دنیایی سرزمین بود و استپانوس نویسنده ما دیگر پسر ترسایش، حاکم دینی آن جا بود (تاریخ استپانوس ص ۱۷۹).

۳۶- تاریخ استپانوس، فصل ۶۶، ص ۱۷۴.

ت.خ. هاگوبیان، س.ت. ملک بخشیان، استپانوس اوربلیان (ایروان، ۱۹۶۰) ص ۲۶؛

T. X. Hakobyan, S. T. Melik'-Baxshyan,

Step'anos Orbelean (Erevan, 1960) p. 26.

و نیز ج.م. گریگوریان:

G. M. Grigoryan, "Step'anos Orbelean", PBH 4 (1976) p. 155.

درباره مادر او می‌اثاتی وجود دارد. در فصل ۶۶ تاریخ استپانوس، درباره پدرش ترسایش می‌نویسد که: "او زنی از اسماعیلیان Ishmaelites به نام اروز خاتون Aruz xat'un دختر

- از دیگر آثار او بنگرید به :
 Grigoryan, op.cit., p. 157, also M. Abeghyan, vol. 4, pp. 257-71.
 به نظر می‌رسد استپانوس این کار را برای خانواده اش انجام داد.
 او از این که دیگر خاندان‌های ارمنی هم چون مامیکونی، باگراتونی و
 ارکرونی افتخارات خود را نوشته اند و خاندان سیسکی و
 بازماندگانشان (اوربلی‌ها) فاقد چنین تاریخی هستند، گله منداست
 (تاریخ استپانوس، فصل ۱، ص ۴۷، فصل ۵، صص ۵۶-۵۷).
 ۴۳ - او از منابع دیگر نیز بهره برده است :
 آگاتانگوس (تاریخ استپانوس، فصل ۷، ص ۶۴، فصل ۹،
 ص ۷۱).
 غازار (Ghazar) و یقیشه (Eghishe) (تاریخ استپانوس، فصل
 ۱، ص ۱۰۴).
 زنوب (Zenob) (تاریخ استپانوس، فصل ۵، ص ۵۸).
 قه ووند (Ghewond) (تاریخ استپانوس، فصل ۷، ص ۶۴).
 موسس خورناتسی Movses Xorenac'i (تاریخ استپانوس،
 فصل ۶، ص ۶۳).
 گاتوقیگوس یوحنا John Kat'oghikos (تاریخ استپانوس،
 فصل ۶، ص ۱۴۸).
 اوختانس Uxtanes (تاریخ استپانوس، فصل ۲۵، ص ۱۴۲،
 فصل ۲۶، ص ۱۲۹).
 تاریخ آغبانیا (تاریخ استپانوس فصل ۲۶، ص ۱۴۹، فصل ۵۲،
 ص ۲۲).
 مخیتار آنوی Mxit'ar of Ani (تاریخ استپانوس، فصل ۶۶، ص
 ۱۱۸).
 کتاب نامه‌ها Book of Letters (تاریخ استپانوس، فصل ۲۶،
 ص ۱۴۹).
 پتروس سیونیک Petros Siwnik (تاریخ استپانوس، فصل ۱
 ص ۴۸، فصل ۱ ص ۷۸ - ۷۹ و جاهای دیگر).
 ماشتوتس = س سوانی Mashtoc' of Sewan (تاریخ استپانوس
 فصل ۳۴ ص ۲۰۴)
 ۴۴ - درباره استفاده او از اسناد کهن، بنگرید به : (تاریخ
 استپانوس فصل ۱، ص ۴۹، فصل ۸، ص ۶۷، فصل ۲۳، فصل ۳۶،
 ص ۲۰۸، فصل ۴۳، صص ۲۷۸ و ۲۷۹، فصل ۵۷، صص ۵۲ - ۵۳،
 فصل ۷۳، صص ۲۵۴ - ۲۵۵، و جاهای دیگر.
 درباره استفاده او از زبان گرجی، بنگرید به : تاریخ استپانوس،
 فصل ۶۶، ص ۱۳۳ و تاریخ کارتلی History of K'art'li تاریخ
 استپانوس، فصل ۶۶، ص ۱۱۸.
 درباره استفاده احتمالی او از زبان فارسی، بنگرید به تاریخ
 استپانوس، فصل ۷۰، ص ۲۱۹.
 ۴۵ - درباره سیاهه مالیاتی، بنگرید به : گ.م. گریگوریان "
 توسعه روابط پولی در سیونیک و مسئله سیاهه مالیاتی سنت
 استپانوس ؟"
 G. M. Grigoryan, "Dramakan haraberut'yunneri zargac'ume
 Syunik'um ev St.Orbelyani harka'uc'aki xndire [The
 ارباب سیونیک را گرفت. او مسیحی و خدا ترس شد " (تاریخ
 استپانوس فصل ۶۶ ص ۱۶۲). سپس در فصل ۷۱ اشاره می‌کند که
 "او از سوی مادربه سیسکیان و از سوی پدریک اوربلی است" (تاریخ
 استپانوس فصل ۷۱ ص ۲۲۶). اگر هردو اشاره درست باشد، یعنی
 مادرش امروز، هم مسلمان و هم از خاندان ارمنی سیسک بوده باشد،
 پس مادرش باید از ارمنیان مسلمان شده باشد.
 ۳۷ - (تاریخ استپانوس فصل ۶۶ ص ۱۶۶). م. ابغیان ج ۴
 صص ۲۵۰-۲۵۱
 ۳۸ - (تاریخ استپانوس فصل ۶۶ ص ۱۷۴) :
 "Ew i meci awur Zatkan jerhnadren zStep'annos metrop
 olit mec at'orhoyn Siwneac' i veray ayloc' episkoposac'n or
 kayin ast ew and omank' i V'ayoc' jor ew omank' i Tat'ew..."
 ۳۹ - همان، ص ۱۷۵.
 ۴۰ - همان، صص ۱۷۵ - ۱۷۶.
 ۴۱ - (تاریخ استپانوس فصل ۶۳، ص ۹۰). درباره این
 فعالیت‌ها، نه تنها در خود تاریخ استپانوس آگاهی‌هایی وجود دارد،
 که در کتیبه‌های معدود موجود مطرانی جدید نیز به آن اشاره شده
 است.
 Divan Ha Vimagrut'yan (Corpus of Armenian Inscriptions)
 vol. 3 (Erevan, 1966) [CIA vol. 3], pp. 208, 215, 220, 222,
 238, etc.
 باید اشاره کرد که متن کامل کتیبه‌های فراوانی از زمان
 استپانوس و پیش از او که اینک از بین رفته اند، در اثر عالمانه
 استپانوس به جای مانده اند. بنگرید به :
 H.A. Orbeli, CIA vol.1
 G. M. Grigoryan, op.cit., p.161.
 (Erevan, 1966) p. XI,
 استپانوس هنگام صحبت از سیونیک در دهه ۱۲۹۰ میلادی/۶۹۰
 هجری، اعلام می‌دارد که در زمان حکومت برادرش الیکوم و خود او :
 "اکنون در این زمان که همه سرزمین‌ها خراب شده و عبادت در
 صومعه‌ها متروک شده، همه به این ارباب (سیونیک) پناه می‌آورند.
 در آن میان کاتولیکوس آلبانیا، ارباب استپانوس بود که با اسقفان،
 وارد پادشاه، و آزارتان (azat) آمده و با برادر روحانی خود استپانوس
 (نویسنده ما) زندگی می‌کرد و به خواست خدا، این خانه مانند کشتی
 نوح است در میان امواج نابود کننده دنیا...". (تاریخ استپانوس،
 فصل ۶۶، ص ۱۷۸).
 در اواخر دهه ۶۹۰/۱۲۹۰، استپانوس به عنوان رهبر مذهبی
 ارمنیان شرقی، علیه سیاست‌های لاتین دوستانه (Latinophile)
 گریگور انوارزتسی (Grigor Anawarzec'i) کاتولیکوس کیلیکیه
 فعال بود (تاریخ استپانوس، فصل ۶۸ و ۶۹). سنگ مزار استپانوس
 در صومعه نوروانک (Noravank)، سال مرگ او را ۱۳۰۳-۱۳۰۴
 م/۷۰۳ بیان می‌دارد. (CIA, vol. 3 p. 233).
 ۴۲ - (تاریخ استپانوس، فصل ۷۳، صص ۲۵۶ - ۲۵۷) تاریخ
 دولت سیسکی تنها اثر بازمانده از استپانوس نیست. برای سیاهه‌ای

Development of Money Relationships in Siwnik' and the Question of St. Orbelean's Tax List]" *Traber* 2(1966) pp. 45-57.
۴۶- تاریخ استپانوس، فصل ۶۶، ص ۱۷۴:

"Or ew i hasaneln and, vaxchaneal er kat'oghikosn, ew bazum patiw ew mecame p'arhs enduner i t'agaworen Hayoc' Lewone or ew yolov t' axanjans arhner nma mnal anden ew nsel yat'orh kat'oghikosut'ean Hayoc'. Ew m minch' och' arhnoyr yanjn'..."

۴۷- (تاریخ استپانوس، فصل ۶۶، ص ۱۷۶، فصل ۷۱، ص ۲۳۰، فصل ۷۱، ص ۲۳۱).

۴۸- متاسفانه متن تصحیح انتقادی تاریخ دولت سیسکی وجود ندارد. متن ارمنی توسط کاراپت شاه نظریانتس Karapet Shahmazareanc منتشر شد (پاریس ۱۸۵۹). دو سال بعد، ج. امین چاپ مسکو را بر اساس دو نسخه خطی منتشر ساخت و با متن شاه نظریانتس مقابله کرد. سومین چاپ در تفلیس (سال ۱۹۱۰) منتشر شد که تجدید چاپ نسخه پاریس با غلط گیری و یک نمایه است. ترجمه کامل فرانسوی در دو جلد توسط م. بروسه (سن پترزبورگ ۱۸۶۴ - ۱۸۶۶) منتشر شد.

M. Brosset *Histoire de la Siounie, par Stephannos Orbelian*, St. Petersburg 1864-66

ترجمه روسی فصل‌های گوناگونی توسط ک. پاتکانوف K. Patkanov و آ. گ. گالستیان A.G. Galstyan به عمل آمده است. ترجمه فرانسوی م. س. سن مارتن به شرح زیر است:

M.S. Saint-Marten [*Memoires historiques et geographiques sur l'Armenie, t.II (Paris 1819)*]

و ترجمه انگلیسی توسط رابرت بدروسیان صورت گرفته است. ۴۹- نرسس آکینیان "گریگور کشیش اکنری، مورخ تاریخ تاتاران":

Nerses Akinean, "Grigor k'ahanay Aknerci patmagir T'at'arac' Patmut'ean 1250-1335", HA (1948) p. 387. 50 *ibid.* p. 387 n. 1.

۵۱- نرسس آکینیان "صومعه آکنتس یا اکنر"

Nerses Akinean, "Akanc' kam Akneri vank'e [Akanc' or Akner Monaster] HA 1948 p. 237.

۵۲- نرسس آکینیان "گریگور کشیش اکنری"، صص ۲۸۹ - ۳۹۰. تاریخ ملت تیرانداز در نسخه خطی شماره ۳۲ کتابخانه صمعه سنت جیمز اورشلیم وجود دارد. نسخه ۳۲ با ترجمه ارمنی وقایع نامه میکائیل سوری (به دست وارطان شرقی) آغاز و با وقایع سال ۱۱۹۵ میلادی/ ۵۹۱ هجری پایان می‌پذیرد. وقایعنامه با تکمله‌ای به دست همان مترجم (وارطان) یا نویسنده‌ای دیگر ادامه یافته و وقایع سال‌های ۱۲۱۶ - ۱۲۲۹ میلادی/ ۶۱۳ - ۶۲۶ هجری را کونا هتروپی می‌گیرد. این بخش با انجامه گریگور اکنری ادامه می‌یابد که اشاره دارد که او وقایع نامه بالا را در سال ۱۲۲۳ میلادی/ ۶۷۱ هجری تمام کرده و می‌افزاید: "به خواست خدا ما توانستیم ۴۴ سال باقیمانده را بنویسیم" (تاریخ ملت تیرانداز، مقدمه، ص ۲۷۲). و به دنبال آن

تاریخ ملت تیرانداز آغاز می‌شود که به نظر می‌رسد از طرف نویسنده به عنوان ادامه وقایع نامه‌های پیشین نوشته شده است. گریگور در ادامه تاریخ خود می

«در سال ۱۷۲۰ ارمنی (۱۲۷۱ - ۱۲۷۲ میلادی/ ۶۷۰ هجری) این وقایع نامه‌ها با فرمان پدر محترم استپانوس به این دیر اکنتس، و رضایت وارطان بزرگ دیر مقدس و تمام کشیشان و راهبان، به دست این کاتب بدبخت گریگور، خادم خداوند نوشته شد.»

Akinean, "Grigor k'ahanay", p. 390, also R.Blake, GA, Introduction, pp. 281-82 n.6).

تمام نسخه‌های ارمنی و همه ترجمه‌های پیش از انتشار متن و ترجمه انگلیسی ر. بلیک R. Blake، به نادرستی نام واردایت به نام ماقاکیا Maghakia را به عنوان نویسنده آورده‌اند. دو دانشمند، ه. ژامکوچیان H. Zhamkoch'yan و نرسس آکینیان Akinean Nerses مستقل از یکدیگر، گریگور اکنری را به عنوان نویسنده واقعی شناساندند.

Akinean, "Grigor k'ahanay"; Zmkoch'yan, "The Author of the Work HNA" (in Arm.) *Scientific works of the State University of Erevan* 23 (1946) pp. 367-68

ماقاکیا معرفی شده کسی نبود جز وردایت ماقاکیا توخاتتسی (Maghakia T'oxat'ec'i) که کاتب کتاب گریگور اکنری بود و انجامه کتابت او این اشتباه را به وجود آورده بود.

۵۳- برای مثال، گریگور نخستین حضور مغولان در قفقاز را در سال ۱۲۱۴ میلادی/ ۶۱۱ هجری می‌داند که بسیار پیش از اشاره مورخان دیگر است (تاریخ ملت تیرانداز، ص ۲۹۴/۲۹۵). تاریخ شکست غیاث الدین در سال ۱۲۴۴ میلادی/ ۶۴۲ هجری به نادرستی در سال ۱۲۳۹/۶۳۶ هجری گفته می‌شود (تاریخ ملت تیر انداز ص ۳۰۶ - ۳۰۷). آمارگیری سال ۱۲۵۳ - ۱۲۵۴ میلادی/ ۶۵۱ هجری ارغون توسط گریگور به سال ۱۲۵۱ - ۱۲۵۲ میلادی/ ۶۴۹ هجری منتقل می‌شود. ژمکوچیان اشاره دارد که وقایع پس از سال ۱۲۴۹ میلادی/ ۶۴۷ هجری گریگور موثق است:

(Zhamkoch'yan, *op.cit.*, p.388).

Blake's statement, GA, Introduction, p. 269.

54- Akinean, "Grigor k'ahanay", p. 399.

55 - *ibid.* p. 400.

از نظر آکینیان، گریگور قطعاً نه شاگرد و اناکان بود و نه همدرس وارطان و گنجکی. از نظر آکینیان، آن چه در اواخر فصل نهم می‌خوانیم:

«در آن روزها وردایت بزرگ و اناکان به سوی مسیح رفت و نه تنها ماراکه با او درس خوانده بودیم، بلکه همه مردم را در غم گذاشت...» (تاریخ ملت تیرانداز، ص ۳۲۲ - ۳۲۳).

خبری است که به او رسیده بود.

56- Akinean, "Grigor k'ahanay", 400.

57- *ibid.* pp. 401-2.

58 - *ibid.* p. 403; Blake, GA, Introduction, pp. 274-76

(HA, 1955, pp. 275-77)

در این جامن (بدروسیان) تنها سه نکته دیگر را به عنوان اخطار تصحیح می‌کنم که کار بلیک باید به همراه کارهای اکینیان و ژمکوچیان استفاده شود:

بلیک از zMcbnay berd (فصل ۳، ص ۲۹۷)، برای دژ نصیبین استفاده می‌کند، در حالی که همان zMacnaberd (Macnaberd) دژی نزدیک گنجه است.

بلیک از zNorberdn (فصل ۳، ص ۲۹۷) برای دژ جدید استفاده می‌کند، در حالی که zBorberdn دژی نزدیک تاووش است.

بلیک از yurdgahs (فصل ۶ ص ۳۱۳) برای چادر سلطنتی استفاده می‌کند در حالی که باید از yurdgahs (اردوگاه، لشکرگاه) استفاده شود.

۵۹- درباره نویسنده این وقایع نامه هیچ نمی‌دانیم. گنجگی در سیاهه منابع خود از او به عنوان "سموئیل کشیش کلیسای آنی" نام می‌برد (تاریخ ارمنستان، ص ۷). وارطان شرقی هنگام نام بردن از روحانیون ارمنی سده دوازدهم میلادی/ششم هجری، از او به عنوان "سموئیل آنوی شبان سرزمین که وقایع نامه‌ای فراهم آورد" (وارطان شرقی، فصل ۶۹، ص ۱۲۱). سموئیل در کار خود ادعا دارد که هنگام تصرف آنی توسط گئورگی پادشاه گرجستان در سال ۱۱۶۱ - ۱۱۶۲ میلادی/۵۵۷ هجری شاهد عینی بوده است:

ISamueli k'ahanayi Aneç'woy hawak 'munk i groc' patmagrac' [Samuel the Priest of Ani's Collection of Historians' Writings], Arsak Ter Mik'elean ed. Vagharshapat, 1893) p.137.

تذکره‌های دیگر گم شده‌اند. از نظر ترملیکیان Ter-Mik'elean مصحح نیمه انتقادی متن، سموئیل حدود سال ۱۱۰۰ میلادی/۴۹۳ هجری به دنیا آمد و حدود ۱۱۹۰ میلادی/۵۸۶ هجری درگذشت:

SA, Introduction, p. 6.

۶۰- چاپ ترملیکیان بر اساس ۱۳ نسخه خطی که اکنون در کتابخانه ماتناداران ایروان نگهداری می‌شوند تهیه شده و مصحح از نسخه‌های کتابخانه‌های ونیز و پاریس نیز آگاه بود.

SA, Introduction, p. 24

او اعتقاد داشت که همه نسخه‌ها از یک نسخه کتابت شده‌اند. هیچ نسخه‌ای مقدم بر سده هفدهم نیست و همه پر اشتباهند (همانجا صص ۷ - ۳۴). ترملیکیان در تهیه نسخه کتاب سموئیل دو کار مهم کرد:

او همه نظام‌های گاهشماری کار را حذف کرد بجز گاهشماری ارمنی را که ثابت کرد بسیار دقیق است. و آگاهیه‌های تاریخی را بر اساس تاریخ چید. وقایعنامه سموئیل آنوی به دست م. بروسه به فرانسوی ترجمه شد:

M. Brosset, Collection d'historiens Armeniens (St. Petersburg, 1876) vol. II pp. 340-483.

۶۱- از این مخیتر تقریباً هیچ نمی‌دانیم. بنگرید به

متن ارمنی تاریخ ملت تیر انداز نخستین بار در سال ۱۸۷۰ در اورشلیم بر اساس کهنترین نسخه موجود (ش ۳۲ کتابخانه پاتریارکی سنت جیمز، اورشلیم) به تاریخ ۱۲۷۱ میلادی/۶۶۹ هجری و نسخه‌ای دیگر به تاریخ ۱۶۰۲ میلادی/۱۰۱۱ هجری، و با عنوان بخش‌هایی از ادبیات ارمنی: وارطان تاریخ مورخان تاتار منتشر شد.

Nshxark' hay matenagrut'ean patmut'iwn T'atarac' Vardani patnich' haneal i jehagir orinakac' (Fragments of Armenian Literature: Vardan the Historian's History of the T'at'ars) (Jerusalem, 1870)

نیز بنگرید بر مرور اکینیان بر چاپ بلیک در (1955) p. 274 HA. در سال ۱۸۷۰ میلادی/۱۲۸۷ هجری ک. پاتکانیان متن ارمنی را در سنت پترزبورگ بر اساس نسخه ونیز مورخ ۱۶۲۴ میلادی/۱۰۳۳ هجری منتشر کرد

K. Patkanean Maghak'ia Abeghayi patmut'iwn vasn azgin netoghac' (Maghak'ia the Monk's HNA)

در سال بعد پاتکانیان متن روسی را منتشر کرد:

Istoria Mongolov inoka Magakii Maghak'ia

تاریخ ملت تیر انداز پیشتر به زبان فرانسوی توسط م. بروسه در سال ۱۸۵۱ بر اساس نسخه ونیز به تاریخ ۱۶۲۴ میلادی/۱۰۳۳ هجری با عنوان Ouvrage de Malakia-Abegha, ou Malakia-le-Moine در کتاب زیر چاپ شده بود:

M Brosset: Additions et éclaircissements a l'Histoire de la Georgie (St.Petersburg, 1851) pp. 438-67

متن ارمنی با استفاده از همه چاپ‌های سابق و همراه ترجمه انگلیسی در جلد ۱۲ مجله مطالعات آسیایی هاروارد چاپ گردید.

Harvard Journal of Asiatic Studies vol. 12, (1949), #3-4 pp. 269-443.

در همان مجله فرانسوی وودمن کلیوز مقاله ارزشمند "نام‌ها و اصطلاحات مغولی در تاریخ ملت تیر انداز" را نوشت.

Francis Woodman Cleaves "The Mongolian Names and Terms in the History of the Nation of the Archers by Grigor of Akanc'" (pp. 400-444).

بعدها متن بلیک و ترجمه انگلیسی و مقاله کلیوز با هم منتشر

شد:

History of the Nation of the Archers (the Mongols)

by Grigor of Akanc', Maghak'ia the Monk, the Armenian text edited with an English translation and notes by Robert P. Blake and Richard N. Frye (Cambridge, Mass., 1954)

بدون شک ترجمه بلیک کمک بزرگی به مطالعات ارمنی و مغولی بود، هر چند اشتباهات کمی هم داشت. بعضی اشتباهات چاپی بود و بقیه ناآشنایی پژوهشگر با ادبیات کهن ارمنی و نام‌های جغرافیایی کهن. مهم‌ترین این اشتباهات در مرور اکینیان از این کتاب روشن شد:

یادداشت‌های دانشمندان، منتشر شده است :
 V. A. Hakobyan, *Minor Chronicles of the XIII-XVIII Centuries*, 2 vols, (Erevan, 1951 and 1956).
 67 - H. Manandian and Hrh. Acharhian, *Hayoc' nor vkanere*, 1155-1843 [Armenian Neo-martyrs], (Vagharshapat, 1903).
 ۶۸ - برای مباحثات و کتاب شناسی انجامه‌ها به زبان انگلیسی، بنگرید به :
 A.K. Sanjian, *Colophons of Armenian Manuscripts 1301-1480*, Cambridge, Mass., 1969; "Preface" pp. vii-xv, and "Introduction" pp. 1-41, passim.

بنگرید به کارهای سانجیان Sanjian

H. S. Anasyan, *Haykakan Matenagut'yun* [Armenian Bibliography] vol. I (Erevan, 1959) lxxvii-xcli.
 ۶۹ - نخستین مجموعه بزرگ انجامه‌ها (که از سال ۸۸۷ - ۱۵۹۶ میلادی/ ۲۷۴ - ۱۰۰۴ هجری را می‌پوشاند) را قه ووند پیراغالامیان Ghewond P'iraghalemean در سده نوزدهم میلادی/ سیزدهم هجری گرد آورد. متون اصلی این مجموعه را (که تنها بخش کوچکی از آن منتشر شد) بر اساس نسخه‌های آرشیو کتابخانه ماتناداران ایروان (شماره‌های ۴۵۱۵، ۶۲۷۳، ۶۳۳۲) بود. بخش منتشر شده تنها انجامه‌های سال‌های ۱۳۹۳ - ۱۴۶۷ میلادی/ ۷۹۵ - ۸۷۱ هجری را در برداشت :
 Ghewond P'iraghalemean, *Notark' hayoc*, Constantinople, 1888
 اسقف گارگین سروانجیتیانس Garegin Sruanjiteanc,
 انجامه‌های بیش از ۳۵۰ نسخه خطی را منتشر کرد :
 Garegin Sruanjiteanc, *T'oros Aghbar: Hayastani chambord* (Brother T'oros, Traveller of Armenia), 2 vols, Constantinople, 1879-85; Sanjian, p. 5.
 مجموعه‌های پیراغالامیان و سروانجیتیانس زمانی اهمیت بیشتری یافتند که بسیاری از این نسخه‌ها در زمان جنگ جهانی اول در ارمنستان غربی از بین رفت. دیگر مجموعه بزرگ انجامه‌ها به دست یاکوبوس تاشیان در ۱۸۹۰ منتشر شد و از روی نسخه‌های خطی کتابخانه پادشاهی و کتابخانه مخیتاری وین برداشته شده بود :
 Yakobos Tashean, *C'uc'ak hayeren jershagrac' kayserakan matenadaranin i Vienna* (Catalogue of Armenian Mss. at the Imperial Library in Vienna, Vienna, 1895).
 از آغاز دهه ۱۹۵۰ میلادی/ ۱۳۳۰ شمسی، چند مجموعه انجامه منتشر شد که در میان آن‌ها :
 Garegin Yovsep'ean's *Yishatakarak' jershagrac'* (Manuscript Colophons) Antilias, Lebanon, 1951.
 شامل ۴۷۲ انجامه از سده پنجم میلادی تا ۱۲۵۰ میلادی/... - ۶۴۸ هجری است.
 در سال ۱۹۵۰ نخستین جلد از چند انجامه‌ها توسط آکادمی علوم جمهوری ارمنستان منتشر شد :
 L. S. Xach'ikyan ed. *XIV dari hayeren jershagreri*

Manandyan, *Critical...* vol. 3 p. 372.

ترجمه فرانسوی به دست م. بروسه تهیه شده است :

M. Brosset, *Histoire chronologique*
 par Mkhithar d'Airivank (St. Petersburg, 1869).
 62 - Smbatay sparapeti taregirk' [The Chronicle of Smbat Sparapet], S. Agelean, ed. (Venice, 1956), Introduction p. v.
 ۶۳ - سفر سمبات در منابع دیگر نیز آمده است. بنگرید به :
 A.G. Galstyan "The First Armeno-Mongol Negotiations" (Armenian) PBH #1 (1964)

و ترجمه انگلیسی آن در :

Armenian Review #29 (1976), especially pp. 33-34.

64 - M. Abeghyan, *Works*, vol. 4 p. 248.

۶۵ - همه چاپ‌های متن ارمنی گزارشنامه سمبات، و همه ترجمه‌های آن پیش از چاپ ۱۹۶۵، بر اساس نسخه‌های دو گانه سده ۱۹ میلادی/ ۱۳ هجری تهیه شده بودند که در اجمیادزین موجود بود. متن ارمنی گزارشنامه سمبات دوبار چاپ شده است : به دست اوسکان ایراوانی Oskan of Erevan (مسکو ۱۸۵۶)، و شاه نظریان Shahnazarean (پاریس ۱۸۵۹). ترجمه بخشی به زبان فرانسوی به دست لانگلو منتشر شد :

V. Langlois, *Chronique de Sempad* (St. Petersburg, 1862)
 دولاوریه Dulaurier بیشتر متن و ترجمه فرانسوی را منتشر کرده که از وقایع سال ۱۰۹۲ میلادی/ ۴۸۵ هجری آغاز می‌شود :

Dulaurier, *Recueil des historiens des Croisades*,

Documents armeniens, I, pp. 610-72

چاپ اخیر ونیز بر اساس نسخه خطی سده سیزدهم یا چهاردهم میلادی/ هفتم یا هشتم هجری تهیه شده که در کارهای غ. آلیشان به عنوان وقایع نامه شاهانه یاد شده است

Sirarpie Der Nersessian, "The Royal Chronicle of Smbat Constable", *Dumbarton Oaks Papers* #10 (1959) pp. 143-44.
 نرسیسیان در مقاله‌ای درباره گزارشنامه شاهانه اشاره کرد که نسخه‌های خطی اجمیادزین که در چاپ‌های اولیه به کار رفته اند، مختصر تر از نسخه مفصل ونیز هستند. (ibid. pp. 144-45)

نسخه اخیر هم در آغاز و انجام و هم در میان چند افتادگی دارد. س. اگلیان S. Agelean مصحح نسخه ونیز آن بخش‌هایی که در گزارشنامه شاهانه موجود بود را دوباره نوشت تا متن کاملی تهیه کند، اما متاسفانه از دیدگاه این مطالعه، آن بخش از گزارشنامه شاهانه که ماموریت سمبات به دربار خان مغول بودند در نسخه‌های اجمیادزین بود و نه در نسخه ونیز. البته ممکن است که یادداشت‌های سفر سمبات در سفرنامه پسر عمیش هیتوم به کار رفته باشد. بنگرید به :

A. Galstyan, "Het'umi patmut' iw'n Tat'arac' grk' i bnut'agrman harc' i shurz' (On the Question of the Characterization of Het'um's Book 'The History of the Tatars'", *Teghekgagir* #9 (1958) pp. 70-72].

۶۶ - متون انتقادی همه وقایع نامه‌های فوق‌الذکر به همراه

ساخته یا بازسازی شده، سنگ مزارها، و ستون‌های یادبودی که خاچکار xach'k'ar (سنگ خاچ) نامیده می‌شود، یافته شده‌اند. بعضی کتیبه‌ها که چون سنگ خاچ به جای سنگ مزار به کار می‌رفت، تنها چند سطر داشت و کتیبه بناها مواد بیشتری داشت و در آن‌ها نام اهدا کننده، واقف و خانواده او، میزان وقف، وقایع سیاسی و نظامی زمان که موجب ساخت این بنا گردید، نام حاکم زمان (مانند نام خان‌های مغول)، نام کاتولیکوسان و اسقفان محلی، تاریخ و مراحل ساخت یا بازسازی یاد می‌شد. افزون بر این گاه در کتیبه نام و میزان مالیات‌ها یاد می‌شد که برای تاریخ اقتصادی ارمنستان بسیار مفید است. اهمیت فراوان این مواد کتیبه‌ای برداشتمندان نوین که بسیاری از آنان در پژوهش‌های سده‌های ۱۳ و ۱۴ میلادی/۷ و ۸ هجری، به طور گسترده از این مواد بهره می‌برند، پنهان نیست. علاوه بر این، چند تک‌نگاری از خاندان‌های این دوره به طور کامل از روی آن‌ها انجام گرفته است. برای مثال:

- T.G. Ovsepian (Yovsep'ean), Potomstvo Tarsaicha Orbeliana i Mina Khatuny (The Posterity of Tarsaich Orbeliana and Mina Khatun) Khristianskii Vostok, t. II (St. Petersburg, 1913);

- A. Orbeli, h'Asan Dzhahal kniaz' Khachenskii (Hasan Jalal Prince of Xach'en) Izvestiia imp. AN (St. Petersburg, 1909);

- K. Ghafadaryan, "Historical Observations on the Kyurikyan Princedom of Nor-Berd", Teghekgagir #4-5 (1940), pp. 167-80 (in Arm.);

- H. Kurdian, "The Dsegh Branch of the Mamikoneans", Bazmavep (1956), pp. 155-62, 246-51 (in Arm.)

ودست آخر، در دوره اخیر، پژوهش‌های عالمانه‌ای بر شرح واژه‌های یک کتیبه یا جمعی از کتیبه‌ها انجام شده است. برای مثال:

- T. Avdalbegyan, "A Secret in the Armenian Inscriptions and Its Significance for the Economic History of Armenia in the 13-14th Centuries", Teghekgagir #2 (1927) pp. 43-76 (in Arm.);

- S. Barxudaryan, A Few Observations on the Inscriptions of Erevan's Cathedral Church", Teghekgagir #5 (1947) pp. 69-78 (in Arm.);

- H.G. Zhamkoch'yan, "On Two 13th Century Inscriptions from the City of Ani", Scientific Works of the University of Erevan 47 (1955) pp. 89-117 (in Arm.).

hishatakaranner (Colophons of XIVth Century Armenian Manuscripts), Erevan, 1950.

به دنبال آن، خاچیکیان مدیر دانشمند ماتناداران، سه جلد از انجامه‌های سده پانزدهم را منتشر کرد:

XV dari hayeren jerhagrerri hishatakaranner (Colophons of Century Armenian Manuscripts) part I (1401-1450) (Erevan, 1958); part II (1451 XVth - 1480) (Erevan, 1958); part III (1481-1500) (Erevan, 1967).

کار پیش گفته سانجیان منتخب و ترجمه انگلیسی تعداد کمی از انجامه‌های این مجموعه بزرگ است که در جلد سوم آمده بود. این جلد شامل ۸۴۵ انجامه (از سال ۱۳۰۰-۱۴۰۰ میلادی/۷۰۰-۸۰۰ هجری) می‌شود که ۵۱۳ انجامه در ماتناداران، و ۲۵۵ انجامه از کتابخانه موزه دولتی جاناشیا (Janashia) در گرجستان و موزه گرگف (Gorgev) است. بنگرید به مروری ن. اکینیان به زبان ارمنی بر کتاب خاچیکیان در:

HA (1951) pp. 467-73

همان گونه که پدر نرسس اکینیان در مرور خود بر کتاب خاچیکیان اشاره کرده، هر چند که تدوینگر به مجموعه‌های پیراگالمیان، در آودیسیان Ter-Awetisean (جلفای نو)، لالیان Lalayean (واسپوراکان)، و نرسویان Nersoyan (کتابخانه‌های آکسفورد و منچستر) دسترسی داشت، اما از مجموعه‌های انجامه‌های منتشر شده کتابخانه‌های برلین، رو، نوربایزید، تهران و جاهای دیگر بهره نبرد.

Akinean, op., cit., pp. 468-69

از زمان انتشار مجموعه خاچیکیان، چند فهرست نسخه‌های خطی منتشر شده که انجامه‌های آن‌ها در دسترس است. از جمله: کتابخانه ارمنی گالاتا Galata (آنتلیاس ۱۹۵۹)، کتابخانه صومعه ارمش (Arماش) (ونیز ۱۹۶۲)، کتابخانه مخیتاری وین (وین ۱۹۶۳)، کتابخانه صومعه بزومار (Bzommar) (وین ۱۹۶۴)، کاتالوگ بزرگ کلیسای سنت جیمز اورشلیم (اورشلیم از ۱۹۶۶ به بعد)، نسخه‌های خطی دیر آراکلوتس تارکمانچاتس (Arakelotz-Tarkmanchatz) در موش (Mush) (اورشلیم ۱۹۶۷).

70- K. Kostaneanc, Vimakan Taregir: C'uc'ak zhovacoy arjnagrut'eanc' hayoc' [Annal of Inscriptions: Collection of Armenian Inscriptions] (St. Petersburg, 1913).

71- Kostaneanc', pp. xxviii-xxxii.

72- Divan Hay Vimagrut'yan [Corpus Inscriptionum Armenicarum] vol. I, H. A. Orbeli, ed (Erevan, 1966); vol II, S. G. Barxudaryan, ed. (Erevan, 1960); vols. III, IV (Erevan, 1967, 1973) under the same editor; vol. VI, S. A. Avagyan and H. Janp'oladyan, ed. (Erevan, 1977).

۷۳- مواد فراوان کتیبه‌های ارمنستان از سده ۱۳ و ۱۴ میلادی/هفتم و هشتم هجری، که در پژوهشمان به کار بردیم، در داخل و خارج دیوارهای بناهای مذهبی و غیر مذهبی که در آن دوره